

ريشه‌ها

سال سوم - شماره نهم / شماره مجوز: ۹۹۲۵۵۰



مشکل ما این است که ایران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شناسنامه

سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۴۰۲

شماره مجوز: ۹۹۲۵۵۰

صاحب امتیاز: محمد امین آقایی

مدیرمسئول: امین حسین زاده

سردبیر: فاطمه لحاظی

دبیر سرویس سیاسی: مریم فاطمی

دبیر سرویس فرهنگی: حنا و سعید

دبیر سرویس اجتماعی: محدثه بزغانی

دبیر سرویس اقتصادی: فاطمه سادات سید موسوی

نویسندگان این شماره:

محمد امین آقایی، یاسین اژدریان، آیدا بخشی،

یکتا بزرگپور، محدثه بزغانی، امین حسین زاده،

منیره رحمتی مقدم، فاطمه سادات سید موسوی،

علی سامان نژاد، قاسم شهرپاری، مریم فاطمی،

حنا و سعید

باتشکر از:

امیرحسین یوسف زاده، جواد خالقی، زهرا خسروشیری

علی اصغر هاشم زاده

وبراستار: شقایق پاکی پودنک

طراح جلد و صفحه آرا: مهدیه گلپان مشهدی

آیدی تلگرام @reeshehaa

آیدی اینستاگرام @Reshehaa

ارتباط با سردبیر: +۹۸۹۱۵۹۷۶۳۴۲۶

ارتباط با مدیر مسئول: +۹۸۹۱۵۶۴۲۰۰۶۷

فهرست

۳	ترکیه و بحران سازی برای سه کشور ایران، عراق و سوریه
۱۴	اثر ژانوسی تحریم و نقش ترکیه در برنامه ضد تحریم ایران
۲۰	بیان شباهات و مشارکت فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه
۲۵	تلاقی ایران و ترکیه در رسانه ها
۳۰	ترکیه علیه ترکیه!
۳۳	ترکیه مقصد جدید سرمایه و نیرو کار ایران!
۳۶	مشکل ما با ایران است!
۳۸	شاه ترکان فارغ است از حال ما، کورستمی؟
۴۰	پان ترکیسم در ایران
۴۳	مسیر یک طرفه است، با اسودگی مهاجرت کنید
۴۷	وابستگی متقابل ایران و ترکیه
۵۰	دیپلماسی دولت سیزدهم

چکیده

منطقه‌ی غرب آسیا، با چالش‌های بی‌شماری رو به رو است و یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در منطقه را می‌توان خشکسالی و بحران آب دانست. کشور ترکیه با علم به این بحران و با توجه به وجود سرچشمه‌ی رودخانه‌های دجله و فرات از یک سو و ارس از سوی دیگر در خاک خود، اقدام به ساخت سدهای گسترده‌ای بر روی این حوضه‌های آبی کرده است. در این مقاله سعی شده با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اقدامات بحران‌ساز ترکیه در حوضه رودخانه‌های فرامرزی ارس، دجله و فرات و تاثیرات آن بر کشورهای ایران، عراق و سوریه مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است با تکمیل پروژه‌های آبی آناتولی جنوب شرقی (گاپ) و آناتولی شرقی (داپ)، علاوه بر تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع ترکیه، این کشور می‌تواند مناطق وسیعی از سه کشور ایران، عراق و سوریه را به بیابان‌هایی لم‌پزرع تبدیل کند. مقاله بر این یافته تاکید می‌کند که پروژه‌های گاپ و داپ می‌توانند امنیت ملی این سه کشور را دستخوش مخاطره‌ی جدی نمایند و آن‌ها را با چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری رو به رو کنند.

کلمات کلیدی

بحران آب، ترکیه، پروژه‌ی گاپ، پروژه‌ی داپ، ایران، عراق، سوریه



مقدمه

بیشتر تمدن‌های اولیه در کنار رودها شکل گرفته‌اند و میزان دسترسی به آب در طول تاریخ زندگی انسان همواره شرطی اساسی برای توسعه اجتماعات بشری بوده است. به گفته بسیاری از محققین امروزه نیز آب دیگر یک کالای فراوان و بدون ارزش اقتصادی نیست بلکه یک کالای فاقد جایگزین و با ارزش اقتصادی بسیار بالا در همه‌ی زمینه‌های مصرفی می‌باشد (صادقی، ۱۳۸۵). در مناطق گرم و خشک جهان نیز مسئله‌ی آب از دیرباز به عنوان یک موضوع با اهمیت در عرصه سیاست داخلی مطرح بوده و اکنون نیز اهمیتی دوچندان یافته است (زیباکلام، ۱۳۷۸). در دنیای امروز متغیرهایی مثل افزایش بی‌شمار جمعیت کره زمین و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع کم‌شمار محیط زیست برای تامین نیازهای مختلف اقتصادی، اثرات سوء بسیاری را نسبت به منابع آبی بر جای گذاشته است. به طوری که مرجعی همچون سازمان ملل متحد موضوع بحران و شیوه‌ی مدیریت منابع آب را به عنوان دومین مسئله‌ی اصلی جهان پس از موضوع جمعیت عنوان کرده است. در این رابطه باید توجه داشت که منابع آب شیرین در جهان محدود بوده و امکان افزایش این منابع وجود ندارد و تنها کاری که می‌توان برای این بحران لاینحل انجام داد، بهبود شیوه‌های استفاده از این منابع است (بهران و هنریخش، ۱۳۸۶). برخی تحلیل‌گران همچون هومر دیکسون نیز معتقدند که جنگ‌های آینده عمدتاً از کمبود منابع آب، غذا، شیلات و جنگل ناشی خواهد شد. رابرت فورس و نازلی چوری بر این عقیده‌اند که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر سر منابع کم‌یاب و تجدیدنپذیر رخ دادند. در حالی که چه کشورهای به شدت وابسته به منابع تجدیدنپذیر و چه کشورهای مدرن بر سر هر دو منبع با یکدیگر درگیر خواهند بود (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۲). به همین خاطر کمبود آب به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی می‌تواند امنیت ملی کشورها را به چالش بکشد.

امروزه نزدیک به ۳۰ کشور با جمعیتی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر با بحران آب دست و پنجه نرم می‌کنند و در صورتی که وضعیت فعلی ادامه یابد تا سال ۲۰۵۰ میلادی این تعداد به ۶۶ کشور با جمعیتی نزدیک به دو سوم کل جمعیت جهان، افزایش پیدا خواهد کرد. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل در نیم سده اخیر، بیش از ۱۸۳۰ مورد نزاع بر سر آب در دنیا به وقوع پیوسته که ۳۷ مورد آن موجب جنگ شده است. در منطقه‌ی غرب آسیا این وضعیت از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که بیشتر کشورهای این منطقه از منظر منابع آبی بسیار فقیر هستند. بحران آب در این منطقه به گونه‌ای است که در ۱۰ سال آینده بیشتر کشورها قادر به تامین نیازهای آبی برای مصارف کشاورزی، صنعت و آشامیدنی خود نخواهند بود. در حال حاضر بیش از ۲۶ کشور در دنیا با کمبود آب رو به رو هستند که ۹ کشور از این تعداد در منطقه‌ی غرب آسیا قرار دارند (عطافر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). در این بین از میان کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا کشور ترکیه از وضعیت مطلوب‌تری به نسبت دیگر کشورها برخوردار است و سرچشمه‌ی رودهای مهمی همچون دجله، فرات و ارس در این کشور قرار دارد. این مسئله سبب شده این کشور، که از موقعیت بالادستی نسبت به سه همسایه خود برخوردار است با تدوین و پیگیری طرح‌های استراتژیک آناتولی جنوب شرقی (گاپ) و آناتولی شرقی (داپ) به دنبال مهار آب‌های رودخانه‌های فوق باشد. به همین منظور ضروری است تا تأثیرات ساخت و بهره‌برداری پروژه‌های آبی استراتژیک ترکیه بر وضعیت سه کشور ایران، عراق و سوریه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

نگارنده در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در صدد است تا به این سوال پاسخ دهد که آیا پروژه‌های آبی ترکیه به وقوع بحران‌های متعدد در کشورهای ایران، عراق و سوریه می‌انجامد یا خیر؟

فرضیه مقاله نیز این است که اجرای پروژه‌های آبی ترکیه باعث نابودی محیط‌زیست کشورهای ایران، عراق و سوریه خواهد شد و مناطق حاصل‌خیز غرب و جنوب غربی ایران و بیشتر زمین‌های عراق و سوریه را به مناطقی لم‌یزرع و بیابانی تبدیل خواهد کرد که تأثیرات مخربی بر امنیت ملی این کشورها خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

سد تبکا و نیروگاه برق آبی در سوریه» علاوه بر معرفی ابعاد مختلف پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)، در رابطه با پاسخ ترکیه به شکایت‌های مطرح شده از جانب همسایگان پایین دست خود به تأثیرات مثبت ذخیره آب اشاره می‌کند. نویسندگان مقاله بر این عقیده‌اند که این طرح هنگام خشکسالی‌های شدید و جذب آب سیلاب‌ها می‌تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد. همچنین در این مقاله عملکرد مخزن آب نیروگاه تبکا به طور ویژه ارزیابی شده و اثرات مثبت و منفی تغییرات هیدرولوژیکی در منطقه بر میزان تولید نیروگاه‌های برق را تجزیه و تحلیل شده است. علی‌فرهادی در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (گاپ) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» با نگاهی آینده‌پژوهانه به تأثیرات مخرب پروژه‌ی آبی ترکیه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. نویسنده معتقد است اجرایی شدن این طرح جمهوری اسلامی را در همه‌ی ابعاد امنیتی (زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی) دچار مخاطره خواهد کرد و توازن قدرت به نفع ترکیه تغییر خواهد یافت. مقاله «اهداف امنیتی ترکیه در پروژه سدسازی گاپ و تأثیر آن بر ایران» به قلم ماری مالکی که در سال ۱۴۰۱ در دو فصل‌نامه سیاست و روابط بین‌الملل منتشر شده، تأثیرات مخرب پروژه سدسازی گاپ بر امنیت ملی ایران را مورد بررسی قرار داده است.

نرگس اکبری و علی مشهدی در مقاله‌ای با عنوان «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران»، تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه‌ی گاپ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. مقاله‌ی «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران» به قلم علی قائم مقامی که در فصل‌نامه مطالعات منافع ملی در سال ۱۳۹۶ منتشر شده، سدسازی‌های ترکیه بر رودهای دجله و فرات و تأثیرات مخرب آن بر امنیت ملی ایران را مورد بررسی قرار داده است. تمرکز اصلی آقای قائم‌مقامی در این مقاله بیشتر بررسی اهداف امنیتی ترکیه از اجرای سدسازی‌ها است.

مقاله «تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات» به قلم افشین کرمی و همکاران در فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام به اجرای طرح‌ها و احداث سدهای متعدد ترکیه و تأثیرات آن بر کاهش میزان آب دجله و فرات در سوریه و عراق پرداخته است. در این مقاله نویسنده کوشیده است تا اقدامات مهم ترکیه در رابطه با دجله و فرات و تأثیرات این اقدامات بر روابط ترکیه و عراق را مورد بررسی قرار دهد. همچنین در این مقاله بیان شده است که اگرچه ترکیه در مواضع رسمی خود سخن از همکاری با کشورهای پایین دست به میان می‌آورد اما در عمل به دنبال آن است تا با به دست گرفتن کنترل آب در این حوضه بر میزان قدرت خویش بیافزاید.

دکتر محمدی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات»، چالش‌های ناشی از سهم‌بری آب بر وضعیت ژئوپلیتیکی و مناسبات میان سه کشور ترکیه، عراق و سوریه را از دیدگاه امنیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در این پژوهش هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات بیشتر تحت تأثیر مسائلی نظیر هیدروپلیتیک امنیتی ترکیه، عراق و سوریه، کردهای جنوب شرق آناتولی، سیاست‌های آبی متناقض کشور سوریه، موضوع مدیریت آب در میان کشورها و همچنین دلایل ناکامی در رسیدن به توافق در جهت هم‌گرایی و همکاری هیدروپلیتیک امنیتی دجله و فرات مورد بررسی قرار گرفته است.

کوئنتین گور و همکاران در مقاله خود تحت عنوان «تأثیرات پروژه جنوب شرقی آناتولی در ترکیه بر عملکرد



نویسنده بیان می‌کند که پروژه‌ی گاپ در طول چندین دهه با توجه به سیاست‌های اعلامی ترکیه تغییر ماهیت داده است و از ابزاری فنی و توسعه‌ای تبدیل به امری امنیتی شده است. سید سروش اسداللهی و یاشار ذکی در مقاله‌ای با عنوان «هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تاثیر آن بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه»، تاثیر پروژه‌ی گاپ را بر کاهش آب دجله و فرات و صدمات آن به امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در این دو کشور را بررسی کرده‌اند. بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که در خصوص پروژه آناتولی شرقی (داپ) به زبان فارسی تنها سه مقاله آن هم با ارتباط غیرمستقیم با موضوع وجود دارد که موضوع آن‌ها استراتژی هیدروهم‌ژمون‌گرایی ترکیه، بررسی پروژه‌های آبی ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها و رژیم‌سازی برای مدیریت یکپارچه منابع آب حوضه آبریز ارس است. در نتیجه نوآوری و مزیت این مقاله بررسی جامع هر دو پروژه‌ی آبی ترکیه (داپ و گاپ) و بررسی تأثیرات آن بر سه کشور ایران، عراق و سوریه است.

چهار چوب نظری

بحران به وضعیتی گفته می‌شود که میزانی از تهدید نسبت به جان، سلامتی و امکانات زندگی انسان‌ها وجود دارد. بحران‌ها می‌توانند به دو صورت سریع یا آهسته بوجود بیایند. بحران‌هایی همچون زلزله و سیل در زمانی کوتاه می‌توانند خرابی‌های گسترده‌ای به بار بیاورند و خسارات بسیاری را به افراد تحمیل کنند و پاسخی سریع می‌طلبند. در مقابل بحران‌هایی همچون قحطی و خشکسالی در مدت زمانی نسبتاً طولانی ایجاد می‌شوند و نیازمند پاسخی طولانی و فرسایشی نیز هستند (شکیبا، ۱۳۷۸: ۱۱۰). همچنین بحران‌ها را می‌توان بر اساس عوامل ایجاد آن به دو دسته‌ی طبیعی و غیر طبیعی تقسیم‌بندی کرد؛ بحران‌های طبیعی را آن دسته از بحران‌هایی دانست که ریشه در طبیعت و مقتضیاتش دارند و بحران‌های غیرطبیعی را حاصل اقدامات انسان دانست. امروزه یکی از موارد مورد توجه در جغرافیای سیاسی که به بررسی بحران‌های ناشی از کمبود منابع آب می‌پردازد، هیدروپلیتیک نامیده می‌شود. بر اساس نظریه هیدروپلیتیک که ترکیبی از واژگان "آب" و "سیاست" است و با توجه به اهمیت روزافزون آب در سرنوشت انسان‌ها و جوامع بشری، دولت‌ها می‌بایست که مسائل مربوط به آب را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند. ژئوپلیتیک آب به مطالعه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم از این که در داخل کشورها و یا بین آن‌ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). این دیدگاه ویژه، به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان دولت‌ها با یکدیگر و یا روابط میان ملت‌ها و مردم حتی یک کشور می‌پردازد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). به بیان دیگر شیوه‌ی تصمیم‌گیری یک کشور در استفاده از منابع طبیعی می‌تواند بر وضعیت دیگر کشورهای همجوار نیز تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر جای بگذارد و حتی امنیت آن‌ها را دستخوش مخاطره کند و جوامع آن‌ها را با بحران رو به رو سازد. از این‌رو امروزه نگاه‌ها به مقوله‌ی امنیت صرفاً در حوزه‌های سیاسی و نظامی نیست و برداشت‌های گسترده‌تری از امنیت ارائه شده است. باری‌بوزان در مکتب کپنهاک به عنوان مهم‌ترین چهره‌ی چنین تحولی، با نقد رویکردهای سنتی به امنیت از ضرورت اتخاذ نگرشی جامع و گسترده به امنیت سخن گفت (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۱). او تلاش کرد تا برداشتی موسع از مؤلفه‌های تاثیرگذار بر امنیت جوامع انسانی مطرح کند. طبق این رویکرد «امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی» (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۴ و ۱۵۹-۱۴۱). به این ترتیب مفهوم جامع و موسع امنیت مستلزم در نظر گرفتن هم‌زمان سطوح (فردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) و حوزه‌های (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) در کنار یکدیگر است (بوزان، ۱۳۹۰: ۴۰۰-۳۹۹). بر همین اساس، باری بوزان تأکید می‌کند که به علت تشدید تهدیدات برخاسته از بحران‌های زیست‌محیطی و کوشش فعالان این حوزه برای برجسته‌سازی این تهدیدات، امروزه محیط زیست به عینکی تبدیل شده که باید از پشت شیشه آن به مشاهده سیاست بنشینیم (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۱). با توجه به توضیحات فوق و از دریچه‌ی نگاه مکتب کپنهاک، پروژه‌های آبی ترکیه را می‌توان عاملی بحران‌ساز در منطقه‌ی غرب آسیا تلقی کرد، چنان‌که اجرای این پروژه‌ها می‌تواند اثرات مخربی بر امنیت زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای پایین دست یعنی ایران، عراق و سوریه داشته باشد.

پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)

رود دجله از دامنه جنوبی کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد، پس از ورود به کشور عراق از میان شهرهای بزرگی همچون بغداد و موصل عبور می‌کند و پس از ادغام با فرات، هردو به کارون می‌پیوندند که اروندرود را تشکیل می‌دهند و در پایان به خلیج فارس سرازیر می‌شوند. ۹۰ درصد از حجم آب رودخانه فرات از ترکیه و ۱۰ درصد آن از سوریه سرچشمه می‌گیرد (کاظمی، ۱۴۰۱). ایده اولیه پروژه‌ی گاپ پیشتر در دهه‌ی ۱۹۳۰ توسط مصطفی کمال آتاتورک تدوین شده بود. او بر این عقیده بود که با توجه به پتانسیل حوضه‌های دجله و فرات می‌توان ترکیه را به سمت توسعه پیشبرد. این پروژه در ابتدا بر توسعه‌ی منابع آب و زمین متمرکز بود اما در دهه‌ی ۱۹۷۰ به یک برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای تبدیل شد (Meiger, 2018: 4). ترکیه، برای اجرای "گاپ" ۳۰ سال زمان و نزدیک به ۳۲ میلیارد دلار سرمایه در نظر گرفته است (کاظمی، ۱۴۰۱). طبق گزارش برنامه‌ی امنیت و تغییرات محیطی در مرکز مطالعات ویلسون، پروژه‌ی "گاپ" یکی از بزرگترین پروژه‌های آبی جهان است که روی حوضه‌ی آبی دجله و فرات اجرا شده است. این پروژه شامل ۱۳ طرح آبیاری و برق-آبی است که در بردارنده ۲۲ سد بزرگ مقیاس و ۱۹ نیروگاه برق-آبی روی رودهای دجله و فرات است. فقط یکی از سدهای این پروژه به نام "آتاتورک" نزدیک به ۴۹ میلیارد متر مکعب ظرفیت ذخیره‌ی آب دارد. سد بزرگ دیگر این مجموعه به نام "ایلینسو" نیز که بر روی دجله ساخته شده معادل سه برابر بزرگترین سد ایران یعنی "گرخه" گنجایش دارد. ترکیه با تکمیل نهایی این پروژه می‌تواند حدود ۴۵ درصد از آب رودخانه‌های دجله و فرات را کنترل کند. بر اساس برخی برآوردها، تاثیر تجمیعی برداشت آب برای صنعت و کشاورزی، به هم خوردن هیدرولوژی (سامانه آب‌شناختی) حوضه‌ی آبخیز این دو رودخانه و تاثیر گرمایش زمین و تغییر اقلیم، در یک دهه‌ی آینده می‌تواند تا حدود ۹۰ درصد آب این دو رودخانه را کاهش دهد. (فائهمقامی، ۱۳۹۹).

پروژه آناتولی شرقی (داپ)

رودخانه ارس از کوه‌های مین‌گول‌داغ (هزار برکه) که در جنوب شهر ارض روم ترکیه قرار دارد، سرچشمه می‌گیرد. این رود سپس وارد ارتفاعات جنوب قارص شده و پس از گذشتن از این منطقه به شمال کوه‌های آرات بزرگ رسیده و از این مسیر وارد جلگه ایروان در جمهوری ارمنستان می‌شود. این رودخانه پس از پیوستن به آرپاچای در محلی به نام بهرام تپه، مرز مشترک ایران با جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد. طول مسیر رود ارس از سرچشمه تا دریای خزر حدود ۱۰۷۲ کیلومتر بوده که بیش از نیمی از آن مرزهای مشترک سه کشور ایران ارمنستان و آذربایجان می‌باشد. طرح آناتولی شرقی (داپ) پروژه‌ای که ترکیه از سال ۱۹۸۸ شروع به ساخت آن کرده و بر خلاف پروژه‌ی آناتولی جنوب شرقی (گاپ) به علت جلوگیری از ایجاد جو بین‌المللی علیه آن در انتشار اطلاعات آن سخت‌گیری می‌کند و وزارت خارجه ترکیه رأساً بر انتشار اسناد و مدارک آن نظارت دارد (کاظمی، ۱۴۰۱). به همین دلیل اطلاعات دقیقی از تعداد سدهای در دست ساخت در این حوضه در دست نیست و آمارهای متفاوتی در این زمینه ارائه شده‌اند. بر طبق اطلاعات موجود مهم‌ترین سدهای ترکیه عبارتند از "سویلمز" (حجم: ۱۴۰۰ میلیون متر مکعب)، "کاراکورت" (حجم: ۶۰۰ میلیون متر مکعب)، "تولوجا" (حجم: ۲۸۵ میلیون متر مکعب)، "قارص" (حجم: ۱۸۲ میلیون متر مکعب) و "اونلندی" (حجم: ۱۰۰ میلیون متر مکعب). آنچه در این بین مهم جلوه می‌کند، مجموع حجم سدهای داخلی ترکیه در حوضه‌ی ارس است که تا حدود دو برابر مجموع سدهای داخلی دیگر کشورهای این حوضه است (حکمت‌آرا، ۱۴۰۱). هدف ترکیه از پیگیری پروژه‌ی آناتولی شرقی (داپ) در ظاهر توسعه و تجهیز اراضی کشاورزی و ایجاد صنایع جدید در راستای اشتغال و رونق اقتصادی است اما با دیدی کلان می‌توان به دیگر اهداف ترکیه از اجرای این پروژه پی‌برد. به بیان دیگر ترکیه با توجه به وجود سرچشمه‌های ارس در این کشور به دنبال فشار به دیگر کشورهای این حوزه از طریق مهار آب این رودخانه است.

اهداف کلان ترکیه: از مبادله نفت با آب تا تحقق رویای صدساله

ترکیه به عنوان کشوری در حال توسعه نیاز مبرمی به انرژی دارد. طبق آمارهای موجود این کشور در سال ۲۰۱۹ روزانه نزدیک به یک میلیون بشکه نفت وارد کرده است. همچنین این کشور در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۴۵ میلیارد متر مکعب گاز نیز وارد کرده (مالکی، ۱۴۰۰). ۳۱٪ درصد از کل واردات انرژی ترکیه را نفت به خود اختصاص داده است (International Energy Agency, ۲۰۲۱: ۱۳۳). ترکیه با آگاهی از چنین وضعیتی کوشش می‌کند تا با بهره‌برداری حداکثری از مزیت خود در حوضه‌های آبی سیاست مبادله آب در برابر نفت را به اجرا درآورد. به بیان دیگر ترکیه از طریق ایجاد سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات از یک سو و ارس از سوی دیگر می‌خواهد کشورهای نفت خیز پایین دست را تحت فشار قرار داده و در ازای آب از آن‌ها نفت و گاز بگیرد. همچنین یکی از شعارهای اصلی ترک‌ها از ابتدای تاسیس این کشور تا کنون، شعار (رسیدن به سطح تمدن غرب) بوده است و این شعار به نحوی نقطه‌ی کانونی سیاست‌های این کشور را شکل داده است. دولت‌های ترکیه علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک، به صورت متوالی پیگیری پروژه‌های توسعه‌گرایانه را به عنوان عاملی برای افزایش مشروعیت خود در نظر داشته‌اند (مالکی، ۱۴۰۰).

در این بین دولت‌ها گفتمان خاصی در مورد رودخانه‌ها ترویج کرده‌اند که تولید برق با استفاده از آب در آن از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. آن‌ها تلاش کرده‌اند تا با بهره‌برداری حداکثری از منابع آبی خود برای تولید انرژی برق - آبی، نیاز خود به انرژی‌هایی همچون نفت را کاهش دهند. به بیان دیگر ترکیه به دنبال آن است تا با افزایش منابع قدرت خود علاوه بر دستیابی به توسعه‌ی پایدار به عنوان رویایی که از ابتدای تاسیس تا کنون به دنبال آن بوده، خود را در قامت یک قدرت هژمونیک در منطقه‌ی غرب آسیا درآورد. این کشور از طریق سدسازی‌های گسترده در حوضه‌های دجله و فرات و ارس در صدد است تا هم امنیت غذایی خود را تامین کند و هم کشورهایی همچون عراق و سوریه را به خود وابسته نماید.



اثرات پروژه گاپ: از تشدید ریزگردها تا تهدید امنیت غذایی

پروژه‌ی آناتولی جنوب شرقی (گاپ) تأثیرات مخربی بر محیط‌زیست و تهدیدات متعددی بر امنیت ملی کشورهای ایران، عراق و سوریه خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تشدید بحران ریزگردها در سوریه، عراق و ایران
ترکیه با افتتاح سدهای خود بر روی رودهای دجله و فرات و حبس آب‌های آن می‌تواند باعث نابودی کشاورزی در کشورهای عراق و سوریه و تشدید روند خشک شدن تالاب هورالعظیم شود. با کم شدن آب‌های دجله و فرات به واسطه‌ی سدسازی‌های ترکیه دشت بین‌النهرین رطوبت خود را از دست داده و این منطقه به منبعی برای تولید گردوغبار تبدیل خواهد شد.
با اتمام و اجرایی شدن پروژه‌ی گاپ و با تشدید بحران ریزگردها، امنیت زیست‌محیطی جنوب غرب ایران با مخاطره جدی مواجه خواهد شد (فرهادی، ۱۳۹۹).

۲. کاهش حق‌آبه سوریه و عراق
طبق برآوردها ظرفیت ذخیره‌سازی‌ها و سدهای ترکیه بر روی رود دجله ۱۷/۶ میلیارد متر مکعب و متوسط جریان سالانه رودخانه دجله در نزدیکی مرز عراق و ترکیه نزدیک به ۱۶/۸ میلیارد متر مکعب است. این ارقام نشان می‌دهد که ترکیه توانایی ذخیره کل آب رود دجله را دارد. همچنین ظرفیت ذخیره سدهای ترکیه بر روی رود فرات نزدیک به ۱۰۰ میلیارد متر مکعب عنوان شده است در حالی که متوسط آورده سالانه این رود حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب است. این مسئله نشان می‌دهد که ظرفیت سدهای احداث شده ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات بیش از ۵/۱ برابر کل آورده‌های این حوضه است (کاظم‌زاده و شفیع‌ی، ۱۴۰۰).

۳. افزایش بیکاری، بحران کشاورزی و تهدید امنیت غذایی
کاهش آب‌های ورودی به عراق و سوریه، بخش‌های کشاورزی و دامپروری این دو کشور آسیب جدی خواهد دید و واردات مواد غذایی افزایش خواهد یافت. حبس بیش از ۵۶ درصدی آب دجله توسط سد ایلوسو سبب نابودی نزدیک به شش و نیم میلیون هکتار از اراضی کشاورزی این دو کشور شده است.
پروژه‌ی گاپ علاوه بر کاهش حق‌آبه شرب کشورهای عراق و سوریه، با توسعه مناطق بیابانی در این کشورها، توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را با چالش روبه‌رو کرده و باعث بیکاری کشاورزان، مهاجرت و تغییرات اقلیمی در این مناطق شده است (کاظمی، ۱۴۰۱).

۴. نابودی گونه‌های بومی و برخی آبزیان خلیج فارس
کاهش آب رودهای دجله و فرات، زیست‌بوم بسیاری از گونه‌های ارزشمند این حوضه را نابود خواهد کرد. همچنین با کاهش ورود آب‌های شیرین و عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آب‌های زیرزمینی افزایش خواهد یافت. کاهش حجم آب اروندرود سبب می‌شود تا آب‌های شور خلیج فارس به سمت بصره نفوذ کند و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش دهد.
در نتیجه مرگ و میر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد که کاهش آب‌های دجله و فرات بر اثر سدسازی‌های ترکیه سبب بروز درگیری‌های سیاسی، نابودی امنیت غذایی، جابجایی جمعیت، خشک شدن تالاب هورالعظیم، هورالهیوزه و نفوذ آب شور به خلیج فارس خواهد شد.

اثرات پروژه داپ بر ایران

اگرچه اطلاعات دقیقی از پروژه‌ی آناتولی شرقی (داپ) در دسترس نیست اما شواهد موجود بیانگر آن است که در صورت بهره‌برداری ترکیه از سدهای موجود در حوضه‌ی ارس، ایران با مخاطرات بسیاری روبه‌رو خواهد شد که می‌توان برخی از آن‌ها را این‌گونه بر شمرد:

۱. کاهش حق آبه ایران از ارس

تکمیل پروژه‌ی داپ و بهره‌برداری ترکیه از سدهای خود در این حوضه سبب می‌شود تا ایران با کاهش حق آبه‌ی خود در حوزه‌های شهری (شرب)، کشاورزی، صنعتی و زیست‌محیطی رو به رو شود که این امر تبعات منفی بسیاری بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایران خواهد داشت. ترکیه در منطقه‌ی ارس همان سیاستی را دنبال می‌کند که با پروژه‌ی گاپ در حوضه‌ی دجله و فرات پیاده کرده است.

۲. بحران در تامین امنیت آب شرب آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی با محوریت تبریز در هر ثانیه به ۱۴ هزار و ۵۷۰ لیتر نیاز به آب دارد. بر اساس مطالعات دو دهه اخیر، حتی در صورت تداوم حفر ۲۰ تا ۳۰ حلقه چاه عمیق در سال و ترمیم شبکه‌های آبرسانی از جمله شبکه انتقال آب نهند به تبریز و اصلاح الگوی مصرف، انتقال آب ارس به تبریز به عنوان مهم‌ترین و حیاتی‌ترین طرح تامین آب این شهر مطرح است.

به همین منظور خط ۱۳۵ کیلومتری انتقال آب ارس به تبریز و شهرها و روستاهای در مسیر، از سال ۱۳۹۲ در دست احداث است و بیش از ۳۵ کیلومتر آن لوله‌گذاری شده است (ایمانلو، ۱۴۰۰). پروژه‌های سدسازی ترکیه بر روی رود ارس و کاهش آب ورودی به این رودخانه، چشم‌انداز تامین آب شرب استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز با چالش جدی مواجه خواهد شد.

۳. تاثیر مخرب بر احیای دریاچه ارومیه

مطالعه‌ی طرح انتقال آب رودخانه ارس به شمال شرق دریاچه ارومیه از سال ۱۳۸۵ آغاز و در ۱۳۹۰ تایید و در ۲۶ مردادماه ۱۳۹۲ توسط وزیر وقت کلنگ‌زنی شد. این طرح که شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی متولی اصلی اجرای آن است، شامل آب‌گیری در حاشیه رودخانه ارس در محدوده جلفا با ظرفیت ۳۰۰ میلیون متر مکعب در سال است. اولویت اول این پروژه، تامین نیازهای آب شرب ۲۲ شهر و ۲۸۶ روستای محدوده طرح، اولویت دوم، جبران کسری سفره‌های آب زیرزمینی و تعادل بخشی تراز دریاچه ارومیه و اولویت سوم آن بهبود اراضی کشاورزی موجود در طرح به روش آبیاری مدرن است (عزیزی‌راد،

۲۱ شهریور ۱۴۰۱). کاهش میزان آب ورودی به ارس به دلیل اجرایی شدن پروژه‌ی داپ، انتقال آب به دریاچه‌ی ارومیه را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد و روند احیای این دریاچه‌ی در حال مرگ را منتفی خواهد کرد.

۴. بحران کشاورزی و به‌خطر افتادن امنیت غذایی در شمال غرب کشور

بخش قابل ملاحظه‌ای از آب برای کشاورزی در منطقه‌ی شمال غرب کشور از جمله دشت مغان از رود ارس تامین می‌شود. پروژه کشت و صنعت مغان در تامین امنیت غذایی استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گیلان، اردبیل و صادرات محصولات مختلف کشاورزی به کشورهای روسیه و قفقاز نقش مهمی دارد. برای این پروژه در سطح استان اردبیل، از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی در سال ۹۸ بالغ بر یک میلیارد دلار هزینه شده است.

در قالب این پروژه علاوه بر استقرار زیرساخت‌های پیشرفته آبیاری، آب رودخانه ارس نیز از طریق کانال‌ها به اراضی این پروژه منتقل می‌شود. با اجرایی شدن پروژه‌ی داپ، از میزان حاصل‌خیزی اراضی کشاورزی در دشت مغان و سایر اراضی این منطقه که به آب رودخانه ارس وابسته است، کاسته خواهد شد. دشت‌های اردبیل و مغان در استان اردبیل به شدت به آب رودخانه‌ی ارس وابسته است.

افزایش روزافزون جمعیت در این استان و مهاجرانی بودن آن در سطح کشور، نیاز این استان به آب را به دلیل تامین مواد غذایی افزایش داده است (پاک‌نژاد و فرجی‌راد، ۱۳۸۹). میزان وابستگی ایران به آب‌های فرامرزی حدود ۷ درصد است اما این وابستگی در مواردی خاص همچون دشت مغان به ۸۰ درصد می‌رسد (کاظمی، ۱۴۰۱). از این منظر می‌توان گفت پروژه‌ی داپ تهدیدی بر علیه امنیت غذایی در شمال غرب کشور است.

۵. تشدید ریزگردها در شمال غرب کشور

علاوه بر تأثیرات مخرب پروژه‌ی گاپ بر تشدید ریزگردها در عراق، سوریه و ایران، پروژه‌ی داپ نیز مشکل ریزگردها را در ایران دوچندان خواهد کرد. سدسازی‌های ترکیه در این پروژه مستقیماً حق آبه شرب، صنعت، کشاورزی و محیط‌زیست ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه‌ی بروز پدیده‌ی گرد و غبار را در استان‌های شمال غربی فراهم می‌کند. برخی برآوردها تأثیرات مخرب کاهش حق آبه ایران در حوضه‌ی ارس را، بیشتر از تأثیرات آب‌گیری بند کمال‌خان در افغانستان و خشکی‌های سیستان و بلوچستان می‌دانند.

دستاوردها پژوهش

دنیای کنونی روز به روز در حال پیچیده‌تر شدن است و قدرت کشورها بسته به میزان امکاناتشان سنجیده می‌شود به گونه‌ای که هر کشوری که توانایی بهره‌برداری بیشتری از امکانات و ظرفیت‌های خود داشته باشد، در عرصه‌ی بین‌الملل حرف بیشتری برای گفتن خواهد داشت و از قدرت کنشگری بالاتری برخوردار خواهد بود.

کشور ترکیه با شناخت دقیق از میزان امکانات خود و تدوین استراتژی بلندمدت به دنبال کسب منافع حداکثری خود است؛ پیگیری و ساخت پروژه‌های آبی توسط این کشور را از این منظر می‌توان تحلیل کرد. به بیان دیگر، ترک‌ها متوجه این نکته شده‌اند که در منطقه‌ی خشک غرب آسیا آنچه می‌تواند به کشورها قدرت چانه‌زنی بالایی در برابر دیگران ببخشد، میزان دسترسی به آب است.

به همین منظور، سردمداران این کشور با علم به این نکته دست به ایجاد پروژه‌های آبی گسترده‌ای زده‌اند که اگرچه بحران زیست‌محیطی بزرگی را در حوضه‌های آبی دجله و فرات از یک سو و ارس از سوی دیگر ایجاد خواهد کرد، اما زمینه‌ی توسعه این کشور در ابعاد گوناگون را فراهم خواهد کرد و توازن قدرت در منطقه را به نفع این کشور تغییر خواهد داد. ترکیه در صدد است تا با در اختیار گرفتن جریان آب، خود را در قامت یک قدرت هژمونیک در منطقه معرفی کند و سیاست آب در برابر نفت را در منطقه‌ی غرب آسیا پیاده کند. ناگفته پیداست که اجرایی شدن پروژه‌های آبی این کشور، امنیت ملی کشورهای ایران، عراق و سوریه را دستخوش مخاطره جدی خواهد کرد و مناطق وسیعی از این سه کشور را به بیابان‌هایی لم‌یزرع تبدیل خواهد نمود و لازم است تا این کشورها در موضعی واحد در برابر این اقدامات ترکیه بایستند.

این مسئله برای ایران اهمیتی دوچندان دارد چرا که همزمان در دو منطقه باید با اثرات مخرب سدسازی‌های ترکیه رو به رو شود و با چالش‌های بسیاری همچون مهاجرت‌های گسترده در مناطق غرب و شمال غرب کشور، به خطر افتادن امنیت غذایی، تشدید بحران ریزگردها و کاهش کیفیت زندگی و... دست و پنجه نرم نماید اما از آنجایی که چندین کشور ایران متولی ندارد پیشنهاد می‌شود تا نخبگان جامعه و آنان که دل در گروی این آب و خاک دارند، نسبت به آگاه کردن ملت از خطرات و بحران‌های پیش رو اهتمام ورزند.



منابع

۱. اسداللهی، سید سروش، ذکی، یاشار (۱۳۹۹)، هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تاثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره سوم، شماره ۱.
۲. اکبری، نرگس، مشهدی، علی (۱۳۹۸)، تهدیدها و تعهدات زیست محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست محیطی در ایران (ریزگردها)، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۱.
۳. افشار، ماهرخ، دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۸)، بحران آب در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.
۴. ایمانلو، علیرضا (۱۲ آبان ۱۴۰۰)، چشم انداز نگران کننده آب شرب در آذربایجان شرقی (مصاحبه با مدیرکل آب و فاضلاب آذربایجان شرقی)، خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۴۵۲۴۹۶۱.
۵. بوزان، باری، ویور، الی، دوویلند، پاپ (۱۳۹۲)، چارجویی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا، حبیبی، امیر (۱۴۰۰)، تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست های آبی ترکیه و پیامدهای آن، دوفصلنامه علمی پژوهش های جغرافیایی قرن جدید.
۸. ببران، صدیقه و هنربخش، نازلی (۱۳۸۶)، بحران وضعیت آب در ایران و جهان، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار و محیط زیست، شماره اول.
۹. حافظ نیا، محمدرضا، نیک بخت، مهدی (۱۳۸۲)، آب و تنش های اجتماعی-سیاسی، مطالعه موردی: گناباد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۸، شماره ۶۶.
۱۰. حکمت آرا، حامد (۱۴۰۱)، اختلافات آبی ترکیه و ایران در حوزه آبی ارس و چگونگی مدیریت آن ها، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، <https://www.iras.ir/%d8%a7%d8%ae%d8%aa%d9%84%d8%a7%d9>
۱۱. رشیدی، مهناز و دیگران (۱۴۰۰)، منبع تعهد به ارزیابی زیست محیطی فرامرزی در پروژه گاپ ترکیه، مجله مطالعات حقوقی معاصر، سال دوازدهم، شماره ۲۲.
۱۲. زیباکلام، صادق (۱۳۸۷)، ما چگونه ما شدیم، ریشه یابی علل عقب ماندگی ایران، تهران: روزنه.
۱۳. سلطانی، محسن و دیگران (۱۴۰۲)، هیدروپلیتیک ترکیه، اهداف و بازتاب های فضایی، ماهنامه آفاق علوم انسانی، سال ششم، شماره ۶۰.
۱۴. شکیبا، علی رضا (۱۳۸۷)، بحران؛ دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، چاپ اول.
۱۵. صادقی، سید شمس الدین (۱۳۸۵)، هیدروپلیتیک و بحران آب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۵.
۱۶. عزیززی راد، محمد (۲۱ شهریور ۱۴۰۰)، مطالبه تکمیل طرح انتقال آب ارس به تبریز، خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۴۴۶۵۰۶۹.

26. International Energy Agency, Turkey 2021 Energy Policy Review (IEA)(2021), Turkey 2021, https://iea.blob.core.windows.net/assets/cc499a7bb72a88de-d792a9daff44/Turkey_2021_Energy_Policy_Review.pdf

27. Goor, Q., Alia, A., van der Zaag, P., & Tilmant, A. (2007). Impacts of the southeastern Anatolia Project in Turkey on the performance of the Tabqa dam and hydropower plant in Syria. IAHS Proceedings and Reports, 315

28. Meijer, Laura (2018), "The Southeastern Anatolia Project (GAP): water, counterinsurgency, and conflict", Course "Food Security in International Politics: The Middle East and Africa", sciences po, kumait program

۱۷. عطافر، علی و شجاعی، مرضیه (۱۳۹۰)، نقش آب در موقعیت راهبردی ایران در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۵.

۱۸. کاظمی، حجت (۱۴۰۱)، تغییرات اقلیمی، بحران آب و ستیزه های سیاسی اجتماعی در خاورمیانه، مجله علمی سیاست دفاعی، سال سی و یکم، شماره ۱۲۰.

۱۹. کاظمی، احمد (۱۴۰۱)، پروژه های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین الملل و رسالت رسانه ها، مجله پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال اول، شماره ۱.

۲۰. کاظم زاده دولت آباد، احمد شفیعی، نوذر (۱۴۰۰)، مدیریت یکپارچه منابع آب و حوضه رودخانه ای؛ مطالعه موردی: حوضه آبی ارس-گر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۷، شماره ۱۱۴

۲۱. کرمی، افشین، حسن زاده، جواد، پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۵)، تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۷

۲۲. ماری، ملکی (۱۴۰۰)، اهداف امنیتی ترکیه در پروژه سدسازی گاپ و تأثیر آن بر ایران، دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل، دوره پنجم، شماره ۱۰

۲۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول

۲۴. محمدی، حمیدرضا، میرزایی پور، طاهره و حسین پورپویان، رضا (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۳۵

۲۵. فرهادی، علی (۱۳۹۹)، تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۸.

اثر ژانوسی تحریم و نقش ترکیه در برنامه ضد تحریم ایران

اثر ژانوسی تحریم و نقش ترکیه در برنامه ضد تحریم ایران

اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورهای هدف، ابزاری است که برای افزایش ریسک سیاسی و کاهش دسترسی کشور هدف به منابع مالی بکار گرفته می‌شود. ایران از جمله کشورهایی است که از اواخر دهه ۱۳۵۰ مشمول تحریم‌های مختلف بوده است، لیکن مهم‌ترین و شدیدترین آن‌ها در بیست سال اخیر اعمال شده است. اثربخشی تحریم‌ها، همواره محل اختلاف نظر است، چرا که برخی معتقد به اثربخشی کامل آن دارند و در مقابل نیز برخی معتقدند که کشور هدف با استفاده از ابزارهای گوناگون به نحوی موفق به بی‌اثر ساختن اثرات تحریم می‌شود که یکی از مهم‌ترین این ابزارها عبارت است از گسترش تجارت با کشورهای همسایه.

در میان کشورهای همسایه ایران، ترکیه نقش مهمی را ایفا می‌نماید: از یک سو دارای مرز زمینی با ایران است که ضمن کاهش هزینه انتقال کالا سرعت آن را نیز افزایش می‌دهد، و از سوی دیگر این کشور به‌طور مستمر نفت مورد نیاز خود را از کشورهایی غیر از ایران تأمین می‌نموده است و به همین دلیل کشور هدف در تأمین کالا برای ایران محسوب می‌گردد؛ بنابراین در گفتار حاضر دو هدف وجود دارد: آیا تحریم‌ها علیه ایران موفق بوده است؟ و دیگر اینکه تجارت با ترکیه در دوران تحریم چه ویژگی برای ایران داشته است. جهت بررسی این اهداف از داده‌های سالانه تجارت ایران که توسط بانک جهانی و سازمان‌های وابسته بدان منتشر می‌گردد، استفاده خواهد شد.

الف) تحریم: اثربخش یا بی‌اثر؟

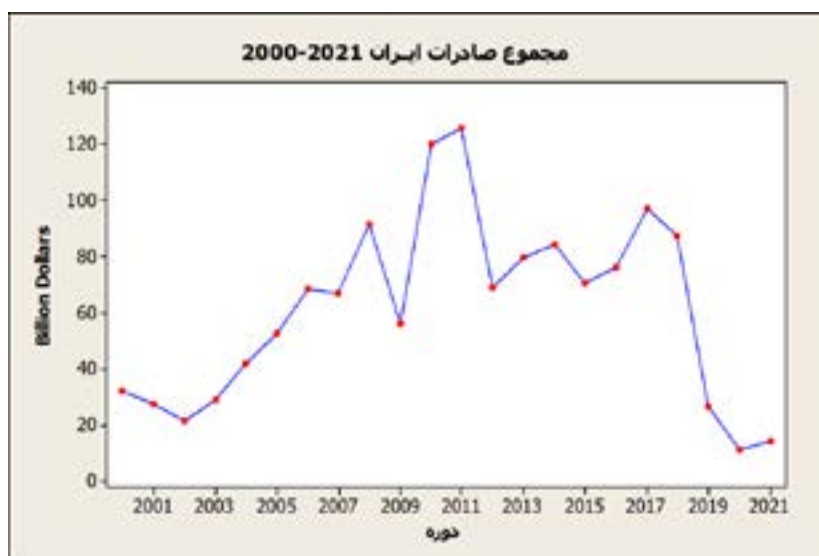
در ادبیات سیاسی دولتی ایران کلید واژه‌ای وجود دارد که عموماً توضیحی برای آن داده نمی‌شود: «تحریم‌ها بی‌اثر بوده‌اند!». شاید بتوان این جمله را به عنوان یکی از پرکاربردترین موضوعات مطرح شده در میان دولت‌مردان ایران در ده سال اخیر دانست، اما سؤال همچنان پابرجاست: تحریم‌ها چه اثری بر اقتصاد ایران داشته‌اند؟ برای پاسخ بدین سؤال بایست به روند تجارت ایران در دو دهه گذشته و دوره‌های اعمال تحریم توجه نمود:

- بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۶ تحریم ویژه‌ای علیه ایران وجود نداشته است
- از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱ تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده علیه ایران اعمال می‌شوند
- از سال ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۵ فشار حداکثری علیه ایران آغاز شده و مکانیسم‌هایی برای رعایت تحریم‌ها بکار گرفته می‌شوند
- ۲۰۱۶ الی ۲۰۱۷ زمان لغو تحریم‌ها در دوره برجام است
- از بهار ۲۰۱۸ تحریم‌های یک‌جانبه و سخت‌گیرانه ایالات متحده علیه ایران اعمال می‌شوند.

بر این اساس می توان تجارت بین المللی ایران را دو بخش صادرات و واردات بررسی نمود:

۱- در بخش صادرات

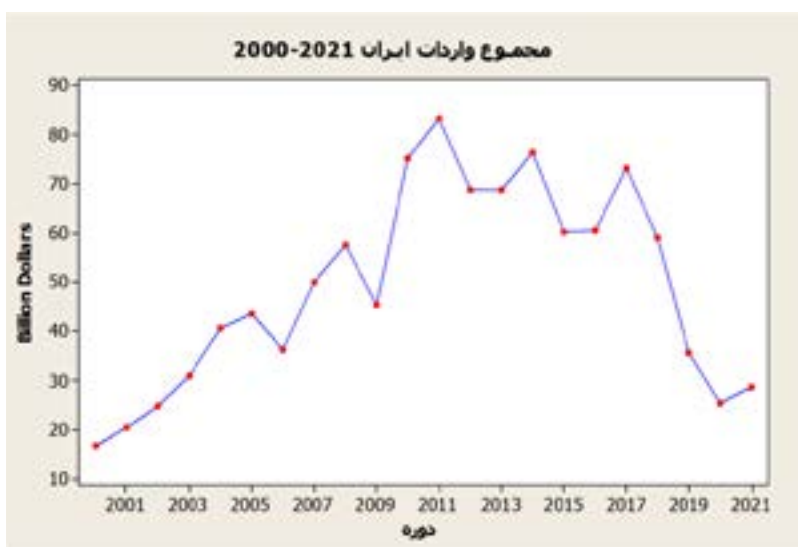
همان گونه که در نمودار مشخص است روند صعودی تجارت ایران از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نیز روند صعودی ادامه یافته بطوریکه که در سال ۲۰۱۱ بالاترین میزان صادرات ایران با بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار به ثبت رسیده است. اما هم زمان با اعمال فشار حداکثری از سال ۲۰۱۲ و بکارگیری مکانیسم هایی برای نظارت بر اعمال تحریم ها، میزان صادرات ایران افول نموده و به یکدوم سال ۲۰۱۱ رسیده است. دوره کوتاه برجام مصادف با افزایش صادرات ایران بوده لیکن با آغاز سال ۲۰۱۸ روند به شدت نزولی در صادرات ایران به وجود آمده به نحوی که در سال های ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۱ میزان صادرات ایران به کمترین میزان خود در بیست سال گذشته رسیده است:



پاسخ به سؤال تأثیر تحریم بر تجارت بین المللی ایران: «خیر-بلی». در دوره آغازین اعمال تحریم (بازه ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱) تحریم اثر چندانی بر ایران نداشته است اما در دو دوره فشار حداکثری (۲۰۱۲ الی ۲۰۱۵) و تحریم یک جانبه ایالات متحده (۲۰۱۸ الی ۲۰۲۱) تحریم تأثیر فراوانی بر ایران داشته است.

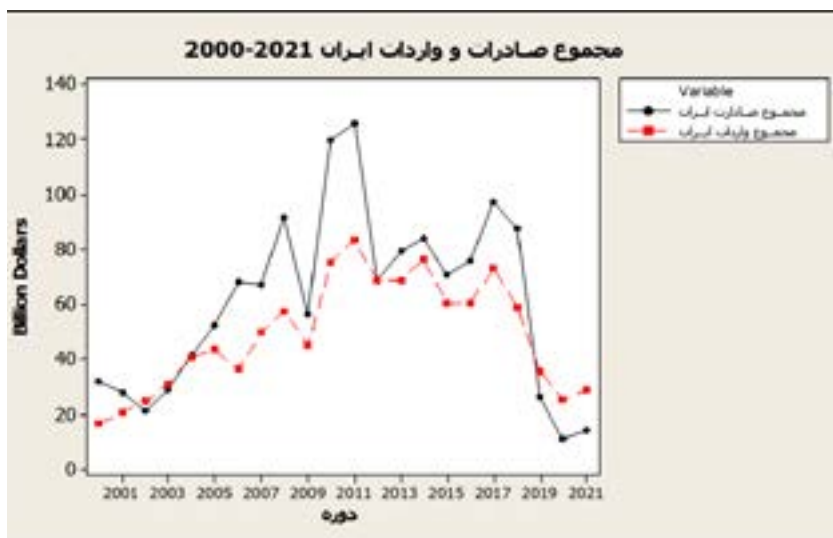
۲- در بخش واردات

بخش واردات ایران نیز وضعیتی مشابه با صادرات داشته و در پاسخ به تأثیرپذیری از تحریم ها، پاسخی ژانوسی دارد: خیر-بلی: خیر از آن جهت که تا سال ۲۰۱۱ که بخشی از آن دوره اعمال تحریم است دارای روند صعودی بوده و به طور قطعی میتوان اثر تحریم در این دوره را بسیار اندک ارزیابی نمود، اما دوره اعمال تحریم از سال ۲۰۱۸ به شدت بر میزان واردات ایران تأثیر گذاشته و پاسخی قاطع و مثبت برای پرسش اثر تحریم بر تجارت ایران دارد.



۳- تراز تجاری ایران

بررسی روند صادرات و واردات ایران در بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱ به خوبی اثر تحریم به ویژه از سال ۲۰۱۸ را نمایان می‌سازد: در حالی که از سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۹ صادرات ایران به جز سال ۲۰۰۲ بر واردات پیشی داشته که به معنی تراز تجاری مثبت برای ایران است، اعمال تحریم‌های ایالات متحده سبب گردیده است تا در دو دهه مورد بررسی تراز ایران به‌طور ملموسی منفی گردد. بایست توجه داشت که از آن‌جا که صادرات نفت و مشتقات آن مهم‌ترین محصول صادراتی ایران است، معافیت‌های اعمال شده در تحریم‌های سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱ و همچنین دوره برجام، نقش مهمی برای بی‌اثر ساختن تحریم‌ها علیه ایران ایفا نمودند، لیکن تحریم‌های سال ۲۰۱۸ به‌ویژه تحریم بانک مرکزی ایران ضمن تأثیرگذاری شدید بر میزان تجارت ایران و کاهش آن به پایین‌ترین سطح موجود، موجود تراز تجاری منفی برای ایران نیز شده است.

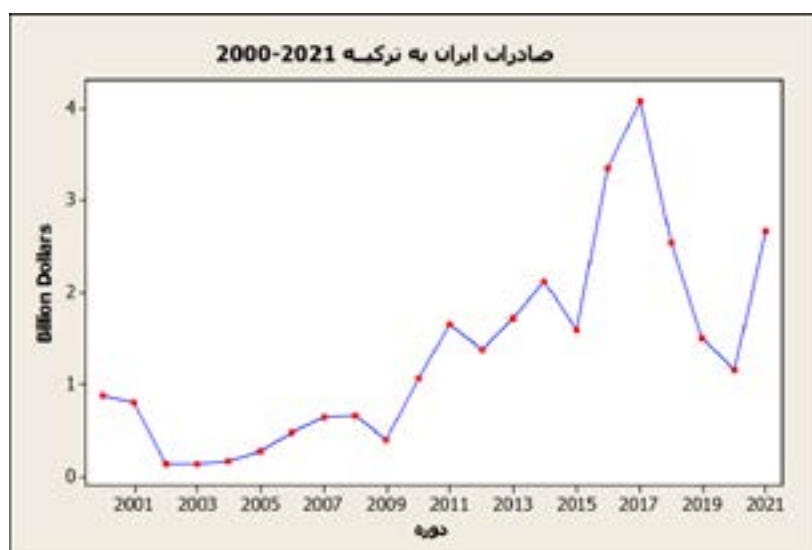


ب) نقش ترکیه در برنامه ضد تحریم ایران

همان‌گونه که اشاره گردید، ترکیه عموماً مبدائی برای تأمین کالا برای ایران بوده تا مقصدی برای صادرات. به همین دلیل نیز در دوره اعمال تحریم به‌ویژه از سال ۲۰۱۸ همراهی یا عدم همراهی آن با ایران تأثیر مهمی بر کاهش اثر تحریم برای ایران داشته است. همچون روند تجارت ایران، روابط ایران-ترکیه را نیز می‌توان در سه بخش بررسی نمود:

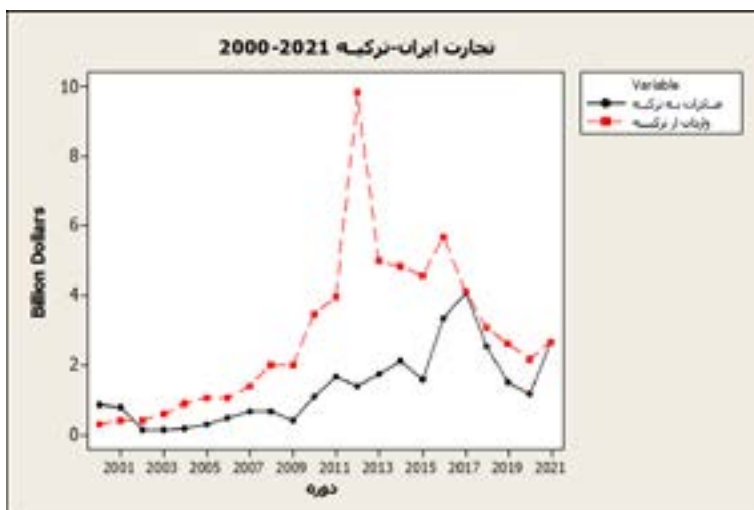
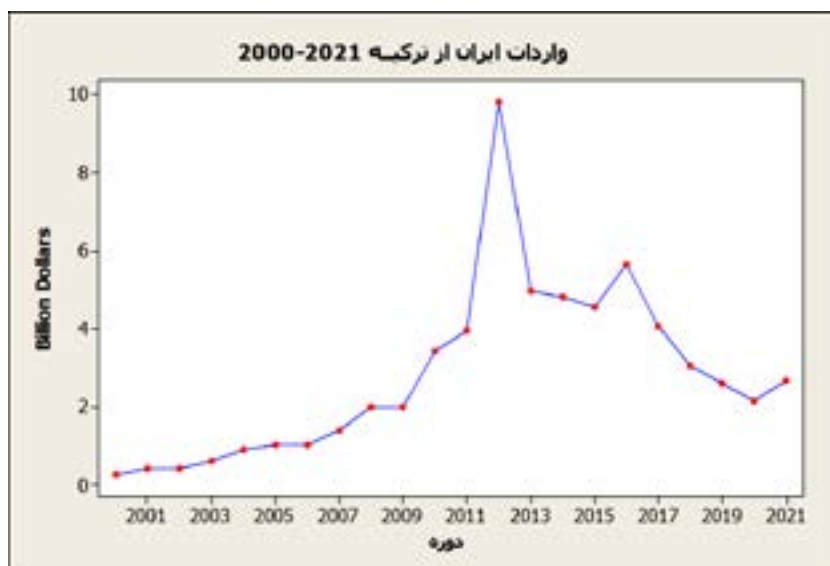
۱- صادرات ایران به ترکیه

نکته مهم در روند صادرات ایران به ترکیه این امر است که در علاوه بر دوران تحریم اولیه (۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱) در دوران فشار حداکثری (۲۰۱۲ الی ۲۰۱۵) نیز روند صادرات ایران با اختلال جدی مواجه نشده است. همچنین بایست توجه نمود که در سال ۲۰۲۱ نیز که دوره اعمال تحریم مجدد علیه ایران است، روند صادرات مجدداً صعودی شده است که بر خلاف مجموع صادرات ایران است؛ به بیان دیگر، در دوران تحریم مجدد از سال ۲۰۱۸ که مجموع صادرات ایران دچار افول شده است، صادرات ایران به ترکیه بعد از افول اولیه مجدداً افزایش یافته است و به میزان سال ۲۰۱۸ رسیده است. لازم به ذکر است بهترین وضعیت صادرات ایران به ترکیه مربوط به دوره برجام است.



۲- واردات ایران از ترکیه

دوره اعمال فشار حداکثری علیه ایران برابر است با بالاترین میزان واردات ایران از ترکیه که این موضوع بدین معنی است که در دوران اعمال تحریم علیه ایران، ترکیه نقش مهمی را در تجارت بین‌المللی ایران ایفا نموده و به عنوان یک شکور همسایه بازیگری مهم در کاهش اثر تحریم‌ها داشته است. همچنین در دوران تحریم مجدد از سال ۲۰۱۸ نیز که روند واردات ایران به شدت کاهش یافته، ترکیه اگرچه با روندی منفی اما همچنان تأمین‌کننده مهمی در واردات ایران بوده و در سال ۲۰۲۱ نیز روند مثبت پیدا نموده است. تکرار این موضوع با اهمیت است که همچنان که در نمودارهای بررسی شده نمایان است، ترکیه کشوری است که عموماً مبدأ تأمین کالا برای ایران بوده و به همین دلیل همراهی آن با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، ضربه مشدد برای تجارت ایران محسوب می‌گردد چرا که تحریم نفت ایران نقشی در صادرات ایران به ترکیه نداشته است اما کالاهای وارداتی ایران از ترکیه که عموماً فلزات، ابزارآلات و فلزهای گران‌بها هستند، در صورت کاهش روند واردات آسیب‌های مهمی را برای ایران به همراه خواهند داشت.



۳- تراز تجاری ایران-ترکیه

در نمودار فوق مشخص است که در سال‌های پیش از ۲۰۰۷ و اعمال تحریم نیز میزان واردات ایران از ترکیه بیش از صادرات بوده است و صرفاً در دو سال ابتدایی و پس از آن ۲۰۱۷ (دوره برجام) تراز تجاری به نفع ایران بوده است. هرچند واردات ایران نیز تحت‌تأثیر تحریم قرار گرفته اما سطح آن همواره نسبت به آغاز دوره بررسی بالاتر بوده که نشان دهنده استمرار واردات ایران از ترکیه است.

اقدامات پیش روی ایران

تحریم به‌ویژه از سال ۲۰۱۸ بدین سو تأثیر مهمی بر اقتصاد ایران داشته است و کتمان یا تفسیر اشتباه از آن چاره بهبود وضعیت محسوب نمی‌شود. هرچند روند بررسی شده حاکی از آن است که ترکیه تأمین‌کننده مهمی برای ایران به‌ویژه در دوره تحریم بوده است، اما استمرار شرایط تحریمی و اعمال فشار بر این کشور ممکن است آسیب‌هایی را برای ایران به همراه داشته باشد، لذا ضروری است تا دستگاه سیاست‌خارجی ایران با استفاده از فضای ایجاد شده در مبادله کشورها بر اساس ارز ملی خود، نسبت به توسعه تجارت خارجی ایران اقدام نماید. از آن‌جا که ترکیه روابط تجاری گسترده‌ای با کشورهای چین و هند و ... (خریداران اصلی نفت ایران پیش از تحریم‌ها) داراست، همگرایی متداخل با این کشورها فضای مناسبی را برای توسعه تجارت ایران فراهم خواهد ساخت. فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و توجه به تغییرات صورت گرفته در نحوه مبادله کشورها با یکدیگر، نقش مهمی را در کاهش اثرات تحریم ایفا خواهد نمود.

(بیان شباهات و مشارکت فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه)

(مباحث تاریخی، مذهبی، زبانی، معماری و موسیقایی)

مقدمه

ترکیه در خاور با کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان (نخجوان)، ارمنستان و گرجستان؛ در جنوب خاوری با عراق و سوریه؛ و در شمال باختری (بخش اروپایی) با بلغارستان و یونان همسایه است. همچنین ترکیه از شمال با دریای سیاه، از باختر با دو دریای کوچک مرمره و اژه، و از جنوب باختر با دریای مدیترانه مرز آبی دارد. دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل نیز در اختیار ترکیه است.

ترکیه حدود ۷۲ میلیون تن (برآورد ۱۳۸۷) جمعیت دارد، که حدوداً ۷۵ درصد مردم سنی و ۱۵ تا ۲۵ درصد هم علوی هستند. با این که حکومت ترکیه لائیک است ولی بسیاری از مردم هنوز به دین اسلام پایبند هستند و عید فطر و عید قربان در این کشور تعطیل رسمی است. همچنین در ترکیه حدود ۷۵ درصد مردم ترک و ۲۰ درصد نیز کرد هستند که بیشتر در جنوب خاور کشور زندگی می کنند اما به تدریج با مهاجرت، در نواحی دیگر به ویژه استانبول و آنکارا نیز جمعیت چشمگیری را تشکیل داده اند.

زبان رسمی ترکیه، ترکی (استانبولی) است که در گذشته با خط عربی (عثمانی) نوشته می شد و از زمان تشکیل جمهوری ترکیه توسط آتاترک در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی (۱۹۲۳) با خط لاتین نوشته می شود. ترکیه در میانه دو فرهنگ شرقی و غربی قرار دارد هر چند فرهنگ این کشور به شرق بسیار نزدیکتر است تا به غرب.

در تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و معماری و سایر شاخصه های دو کشور مسلمان ایران و ترکیه که در همسایگی یکدیگرند و فرهنگی نسبتاً مشابه دارند، تفاوت هایی چشمگیر دیده می شود و با وجود آنکه هر دو تحت تأثیر تحولات جهانی مشابه، چون نفوذ نگرش چپ از یک طرف و روند آزادسازی اقتصادی از طرف دیگر بوده اند، ولی در طی تاریخ راه هایی متفاوت را پیموده اند.



مقایسه فرهنگ ایران با ترکیه

روابط ایرانیان و ترکان پیشینه دیرینه ای دارد تا آنجا که قدمت موضوع به افسانه های ملی و حتی میتولوژی ها می پیوندد لیکن نشانه های مشخص و در عین حال پیوسته تاریخی این ارتباط را باید از اوایل اسلام جستجو کرد. نزدیکی هر چه بیشتر و ورود منظم اقوام ترک به محدوده سرزمین های ایران از اوایل حکومت سامانیان و نفوذ نظامی آنان در قلمرو حاکمیت های ایرانی و تشکیل سلسله پادشاهان و حتی امرای محلی به خصوص با پذیرش فرهنگ اسلامی، ایرانی، راه آمیزش نژادی و فرهنگی این دو قوم را هر چه بیشتر باز کرد. آن چنان که می توان ادعا کرد که همزیستی ترکان و ایرانیان در کنار یکدیگر هرگز رنگ و بوی بیگانگی نداشته است.

بعضی از تعلیمات فرهنگی ایران و ترکیه:

- ۱_ همکاری بین دانشگاه های دو کشور و مبادله هیئت های علمی و کتاب
- ۲_ مبادله استاد و محقق و تبادل اسناد و اطلاعات
- ۳_ مبادله کارشناس، استاد کار، کتابدار و تهیه میکروفیلم توسط مراکز فرهنگی دو کشور
- ۴_ اعطای بورس تحصیلی
- ۵_ همکاری در خصوص ایجاد نمایشگاه و همکاری بین مراکز فرهنگی و هنری و برپایی جشنواره های سینمایی و تاسیس مراکز فرهنگی در دو کشور

مقایسه زبان ترکی استانبولی و ترکی آذری ایران

ریشه اصلی زبان ترکی استانبولی و آذری یکی است و هرچه در تاریخچه این زبان جستجو کنیم، متوجه می شویم تفاوت میان این دو زبان در گذشته بسیار کم بوده است. تنها تفاوت اصلی میان زبان های ترکی، لهجه مردم مناطق مختلف ترک زبان است.

در گذشته، زبان ترکی عثمانی برای افراد دربار و تحصیل کرده بود و بیشتر از ۸۸ درصد لغات ترکی را واژه هایی تشکیل می داد که از زبان عربی و فارسی بود. بعد از انقراض امپراطور عثمانی بود که میان زبان ترکی آذری و استانبولی تفاوت ایجاد شد، در قدم اول خط نوشتاری آن از عربی به لاتین تغییر کرد. بعد از جنبش زبانی مصطفی آتاتورک در سال ۱۹۲۸، زبان ترکیه دچار تغییر و تحولات گسترده شد، واژه های فارسی و عربی با واژه های قدیمی ترکی جایگزین شد.

برای صحبت درباره تفاوت های زبان ترکی ایرانی و استانبولی باید این را بدانیم که نمی توان مرز مشخصی برای آن تعیین کرد. افرادی که به زبان ترکی ایران صحبت می کنند، می توانند مکالمه های روزمره و ساده ترکی استانبولی را متوجه شوند، اما وقتی پای مکالمه رسمی یا تخصصی به میان می آید، به دلیل استفاده از واژه های ترکی قدیمی ممکن است متوجه معنای برخی جمله ها و کلمه ها نشود. یادگیری زبان ترکی استانبولی برای افرادی که ترکی آذری را می دانند، در مدت کوتاه امکانپذیر است، چراکه بسیاری از کلمات و دستورات گرامری این دو زبان یکسان است و تفاوت های بسیار کمی با یکدیگر دارند.

بزرگترین تفاوت در زبان ترکی ایران و ترکی استانبولی، می توان خط نوشتاری آن ها دانست، خط نوشتاری زبان ترکی آذری، عربی است و این در حالی است که خط نوشتاری مردم ترکیه، لاتین است و افراد بسیار محدودی در ترکیه نوشتار عربی دارند.

مقایسه معماری مساجد در ایران و ترکیه

پس از گسترش اسلام به آسیای صغیر، این منطقه تا قرن هفتم و هشتم هجری زیر سلطه‌ی حاکمان سلجوقی بوده بنابراین اولین بناهای اسلامی احداث شده رنگ و بوی معماری اسلامی ایران را دارند. پس از سلجوقیان، عثمانیان مسلمان حکومت را در دست گرفتند و در قرن نهم هجری به یک قدرت رعب انگیز بدل شدند. حاکمیت عثمانیان نقطه‌ی اوجی برای هنر اسلامی این منطقه به خصوص در معماری بوده و محققاً می‌توان عنوان نمود که مساجد ترکیه در ردیف زیباترین مساجد جهان قرار دارند.

معماری مساجد در این دو کشور از معماری اسلامی پیروی کرده اند ولی هر کدام با توجه به فرهنگ و هنر آن منطقه، شرایط سیاسی آن زمان و ترکیب با معماری بومی و گذشته خود شکل گرفته اند. این معماری‌ها خود وابسته به پیشینه تاریخی آن‌ها هستند همانند معماری صوفیه که مانند معماری دوره قبل خود با شکوه و از همان معماری پیروی کرده است اما در معماری عثمانی از معماری کلیساهای بیزانسی همانند آيا صوفیه بهره گرفته شده است. این مقایسه به دو شیوه نقاط مشترک و تفاوت‌ها در نمودار زیر مشاهده میشود. اما با وجود ارتباطاتی که این دو کشور در آن دوره با هم داشته اند نقاط اشتراک آنها کمتر از تفاوت‌های آن‌ها می‌باشد که این امر نشان از آن دارد که هر کدام از کشورها مقتدر و پیشرو تأثیرپذیر از معماری قدیم و سنتی خود می‌باشند.



معماری مساجد در ترکیه



معماری مساجد در ایران

مقایسه مذهب و دین بین کشور ایران و ترکیه

ترکیه و ایران دو کشور مهم مسلمان و همسایه به شمار می آیند ولی اسلام گرایی، در این دو کشور، از آغاز تاکنون متفاوت بوده است. همین تفاوتها، ابهامات زیادی را در فهم عمیق اسلام گرایی مدرن پدید می آورد.

موضوعی که کم تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در ایران حکومتی اسامی قدرت را در دست دارد. این حکومت، اسلام را برنامه ای کامل و جامع برای تمام ابعاد زندگی انسان تلقی می کند. در حالی که ترکیه دارای حکومتی سکولار است و نیروهای اسلا مگرا، گرچه بر هویت و ارزشهای اسلامی تأکید دارند ولی به نظر می رسد به نوعی با حکومت سکولار کنار آمده اند.

ترکیه و ایران دو کشور مهم در منطقه حساس خاورمیانه محسوب می شوند و هر دو این کشورها دارای پیشینه طولانی اسامی ولی با نوع متفاوت اسامی گرایی می باشند. در ایران پس از وقوع انقلاب، دولتی اسامی قدرت را به دست گرفت که خود را مدعی اجرای صحیح اسامی در عصر کنونی می داند و با اعتقاد به اینکه اسامی در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دینی کامل و جامع است، سعی در اجرای احکام اسامی دارد.

طبیعی است که از این دیدگاه بسیاری از ارزش های مدرن چون آزادی، حقوق بشر، کثرت گرایی و غیره در مقابل ارزشهای حکومت اسامی اهمیتی ثانوی می یابند و انسانها در برابر حکومت اسامی موجوداتی مکلف محسوب می گردند.

زمینه های تفاوت اسلام گرایی در ایران و ترکیه بر اساس چهار متغیر تاریخی و اجتماعی عبارتند از:

۱. پارادایم اسلامی رایج
۲. وضعیت طبقه روحانی
۳. میزان تکثرگرایی معرفتی
۴. میزان تکثر گروههای اسلامی

موسیقی در فرهنگ ترکیه ای

ترکیه ای ها نیز به مانند ایرانی ها به موسیقی علاقه فراوانی دارند و از شنیدن آن بسیار لذت می برند. موسیقی ایرانی و سنتی در سال های اخیر با کم لطفی های زیادی مواجه شده و مردم آن را فراموش کرده اند. این قضیه نیز در مورد موسیقی کشور ترکیه وجود دارد و سبک های اروپایی و مدرن در این کشور طرفداران زیادی دارد و موسیقی این کشور نیز دچار نوعی غربت شده است. موسیقی که در کشور ترکیه نواخته می شود تحت تأثیر موسیقی غربی، موسیقی کلاسیک ایرانی، موسیقی مدرن اروپایی و مدرن و موسیقی غربی قرار گرفته است و این اتفاق نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه اتفاق افتاده است.

نتیجه گیری

بروز انقلاب های مردمی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا از مهمترین تحولات بین المللی در چند دهه اخیر به حساب می آید. اهمیت این تحولات چنان است که حساسیت و توجه بسیاری از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای را در پی داشته است. در میان کشورهایی که به دنبال ایفای نقش و اعمال نفوذ بر سر تحولات منطقه بوده اند میتوان از ایران و ترکیه نام برد. ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می شوند. هر کدام از این دو کشور اهداف مشخصی را دنبال می کنند که بسیاری از آنها هماهنگ و هم جهت می باشند و هر دو کشور در تلاشند تا جایگاه بهتری در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، هنری و ... در خاورمیانه داشته باشند.

منابع و مآخذ

مسیر طلایی رشد و توسعه اقتصادی ترکیه (دلایل، عوامل و ریشه هوا) و مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ۱۳۹۲، درسهایی برای ایران.

گروه مطالعات (شاخص بین المللی حقوق مالکیت)، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. محیط کسب و کار، بهار ۱۳۹۲

کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۹۲)، باورها و رفتارهای مذهبی در ایران، دفتر انتشارات طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

"نقد و بررسی کتاب سیاست های منطقه ای ترکیه و ایران"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۵

طهماسبی، جواد (۱۳۹۱)، شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی. مرکز تحقیقات استراتژیک. گزارش راهبردی ۱۵۹

تلاقی ایران و ترکیه در رسانه ها

پسکوف کارشناس امور روسیه شبکه i24

این که اردوغان می خواهد شهروندان سوری تا عمق ۳۰ کیلومتری مرز تحت قیومیت ترکیه و سلطه نرم آن باشند، غیر قابل پذیرش از سوی همه طرفها است. ترکیه در چهارچوب نشست آستانه با ایران و روسیه، به آتش بس و توقف تنش پایبند شده پس چگونه می خواهد به بهانه امنیت ملی ترکیه، عملیات یک جانبه‌ای را شروع کند؟ مهند اوغلو کارشناس ترکیه‌ای: اردوغان باید به فکر منافع کشورش باشد. ترکیه در حال سامان دادن به سیاست‌های خود می باشد این عیبی ندارد و سیاست همین است. کارشناس عرب: ننگ بر رئیس جمهوری که کارخانه‌های حلب را سرقت کرد! ننگ بر اردوغان و پسرش که نفت سرقت شده سوریه را از داعش می خریدند! ننگ بر اردوغان که گاز سوریه را سرقت می کرد اردوغان رئیس جمهور نیست، سارق قرن است. ما با یک شخصیت عملگرایی پیچیده طرف هستیم که می خواهد سلطنت عثمانی‌ها را احیا کند، بنابراین مورد اعتماد نیست و روس‌ها و ایرانی‌ها این را می دانند.

سرهنگ دانیل دیویس کارشناس نظامی شبکه The Hill Tv

برخی از موفقیت‌های اوکراین در جنگ با روسیه بهره‌مندی از پهپادهای بیرق‌دار ۲ ترکیه بوده است ولی این پهپادها چندان رادارگریز و پنهان شونده نیستند و روس‌ها خیلی خوب این پهپاد را سرنگون می کردند. از سوی دیگر نسخه‌های پهپادی که در اختیار ایرانیان است از سال ۲۰۰۲ به این سو واقعاً برای ارتقای آن‌ها کار شده است. اگر سپتامبر ۲۰۱۹ را به یاد بیاورید که حوثی‌های وابسته به ایران با حملات نقطه زن و دقیق پهپادی خود به پالایشگاه نفت عربستان طوری ضربه زدند که هیچ یک از سامانه‌های پدافندی نتوانستند آنان را از پا در بیاورند. بنابراین روسیه از همین نوع پهپادها می خواهد زیرا می توانند از سامانه‌های پدافندی رد شوند.

دکتر حسن مرهج:

شما فقط با کردها می جنگید. شما با داعش نمی جنگید. شما حامی داعش بودید. کمی حیای سیاسی داشته باشید شما از تروریست‌ها حمایت کردید و مرزهای خود را باز کردید تا آن‌ها وارد سوریه شوند و به آن‌ها سلاح دادید از کدام مبارزه با تروریسم حرف می‌زنید؟ دروغ کافی است!

علی اوزگون دوز نماینده مجلس ترکیه در شبکه Haber Turk:

کسانی که به دنبال دولت عثمانی جدید، سوار بر اسب آمریکا شمشیر عثمانی می گردانند، می خواستند سوریه را سرنگون کنند، می خواستند حزب الله لبنان که همچون بازوی ایران دیده می شود را سرنگون کنند، می خواستند نفوذ ایران در خلیج فارس را نابود کنند، شیعه المالکی نخست وزیر عراق را سرنگون کنند و در آخر می خواستند ایران را خفه کنند، در اصل تمام مسئله ایران است! تمام سیاست دولت ما در خاورمیانه محاصره کردن ایران است. هیشم توپالجا کیست؟ همین که الان نور چشم داعش است این شخص ۸۷۰ بار ورود و خروج به ترکیه داشته است. چرا ایران به اربیل کمک کرد و اربیل را از دست داعش نجات داد؛ ساکت ماندید؟ اربیل که شیعه ندارد. ایران با تفکرات غلط مبارزه می کند، با بلای جان اسلام و انسانیت مبارزه می کند. اگر یک ژنرال آمریکایی بود همه کف می زدند ولی وقتی ژنرال ایرانی مسلمان باشد، ناراحت می شوند. تمام مسئله همین است.

دکتر محمود الافندی در شبکه i24:

مسئله در سوریه حضور نیروهای قانونی و غیرقانونی است. نیروهای قانونی نیروهایی هستند که با دعوت دولت سوریه یعنی دولت قانونی آن به سوریه آمدند. نیروهایی که با دعوت دولت سوریه آمدند، نیروهای ایرانی و شبه نظامیان وابسته به آن و نیروهای روسی هستند. اما نیروهای غیرقانونی حاضر در سوریه، نیروهای آمریکایی هستند که برای حمایت از نیروهای جدایی طلب کرد آمده‌اند. همچنین نیروهای ترکیه که برای حمایت از جبهه النصره، تروریسم و هیئت تحریرالاشام آمده‌اند. بنابراین نیروهای غیرقانونی این نیروها هستند، در حالی که نیروهای قانونی با تصمیم رئیس جمهور سوریه وارد و خارج می شوند، این مسئله مهمی است.

مجری شبکه Tgrt ترکیه:

همه چیز سر گذرگاه زنگه زور است. کارس، ایغدیر و از آنجا به نخجوان، ۹۰ سال است که همچون خنجر نایب ناحیه زنگه زور را از هم جدا کرده است. با راه اندازی این گذرگاه ارتباط ایران با اروپا قطع می شود. این نکته خیلی مهمی است. از ساریوو تا بیشکک، از دریای آدریاتیک تا دیوار چین. آیا می توانید بگویید که گازش را گرفتیم و از راه زمینی یک راست تا خود سمرقند چند بار رفتیم و آمدیم؟ نمی توانید بگویید ولی با اجرای این نقشه این آرزو تحقق خواهد یافت.

حسنى محالى روزنامه نگار و کارشناس امور خاورميانه شبکه 1 Tele:

در آوريل ۲۰۱۲ گروهى به نام دوستان سوریه وجود داشت که گردهمايى برگزار مى کردند. آن ها در استانبول گرد هم آمده بودند. در سالن بزرگ گفت و گو در محل حربه استانبول، من هم آنجا بودم. وزيران و نمايندگان از ۱۰۰ کشور آمده بودند تا بگویند برای سوریه فلان و بهمان می کنیم. این ۱۰۰ کشور کی بودند؟ آمریکایی ها که آن زمان هیلاری کلینتون وزیر خارجه بود. فرانسه، ترکیه، آلمان، آن ها خیلی مهم نیستند زیرا غربی هستند، قطر و عربستان سعودی! این ها کشورهای قرون وسطایی هستند. این ها گفتند برای سوریه ای دموکراتیک، دموکراسی خواهیم آورد. در این سالن که من هم در آن بودم نمايندگان ۵۲ تا ۵۸ گروه تروریستی که اعلام کردند با سوریه خواهیم جنگید، نشستند بودند.

مهند حافظ اوغلو کارشناس ترکیه ای شبکه i24:

سازمان اطلاعات ترکیه مدت ها است که در حال رصد و نظارت ایرانیانی است که وارد ترکیه می شوند حتی اگر در پوشش افغانستانی باشند. چون ایران به دنبال ایجاد تهدید علیه امنیت اسرائیلی ها در خاک ترکیه است و ترکیه این مسئله را نخواهد پذیرفت. این مسئله فقط به حملات علیه ترکیه و امنیت اسرائیل محدود نمی شود بلکه پیامی جهانی از سوی ایران است مبنی بر اینکه توانایی انجام حملات در هر زمان و هر کشوری که بخواهم دارم. این تهدید غیر مستقیم کشورهای غربی است اما امروز ترکیه به شدت آماده باش است.

دکتر حسن مرهج کارشناس سیاسی:

شما از تروریسم صحبت می کنید در حالی که ترکیه حامی تروریست های حاضر در

خاک سوریه است. ترکیه وارد جنگی در شمال سوریه شده که خاک آن متعلق به ترکیه نیست. ترکیه مرزهای خود را بر روی داعش و جبهه النصره باز کرد و نفت سوریه و عراق را سرقت نمود. پس باید بدانیم چنین کشوری حق سخن گفتن از تروریسم را ندارد.

مهند حافظ اوغلو:

ما به داعش و گروه های تروریستی در عراق و سوریه حمله می کنیم و روزانه عملیات های اطلاعاتی انجام می دهیم.

تورگر ارتورک دریا سالار بازنشسته ارتش ترکیه در شبکه Zanka Tv:

روسیه و نیروهای اسد به همراه ایران، این سه قدرت به شکل بسیار نیرومندی ارتش ترکیه و منطقه نظامی ارتش ما را محاصره کرده اند. آن ها از ما قوی ترند. ما از آسمان، زمین و دریا محاصره شدیم چون آنها با دولت فعلی به توافق رسیده اند و نیروهای مشروع در سوریه هستند در حالی که چون دولت ما با دولت کنونی توافق نکرده، تنها در زمین مانده است. ما در ادلب در حال حفاظت از گروه های تندرو و تروریستی هستیم.

دکتر ملیح بولوت، استاد دانشگاه و رئیس بیمارستان بیلک دوزو ترکیه در شبکه Krt:

در واقع این جا اگر درباره ایران صحبت کنیم می دانید که صاحب خانه بد، مستأجر را صاحب خانه می کند. به دلیل اعمال تحریم های بلند مدت علیه ایران، حقیقتاً ایران نظام بهداشتی بسیار کارآمدی را توسعه بخشیده است. چیزهای فراوانی است که ما باید از ایران یاد بگیریم. ایران دارو تولید می کند و صادر می کند حتی ایران گردشگری سلامت دارد. ایران واقعا در این زمینه ها کشوری بسیار کارآمد و فعال است.

دکتر تاسانسو تورگر در شبکه Tvnet:

ببینید ما ترک ها در ایران با اسلام، ساختار مالی و نظام متمرکز دولتی روبه رو شدیم. یعنی هم الگوی سکونت پیش از مدیترانه و هم آشنایی با اسلام در ایران رخ داد. منظور ما فقط سنت اداره ای نیست بلکه خیلی از آداب و رسوم فرهنگی را نیز از ایرانیان گرفته ایم. برای نمونه اگر یک ایرانی به شما بگوید: شما با زبان فارسی صحبت می کنید، شگفت زده نشوید. ما در زبان خود واژه های بسیاری از زبان فارسی وام گرفته ایم، چیزی که از آن هم ارزشمندتر است، باورهای اسلامی است. ما آن ها را در ایران آموختیم، اصطلاحات اسلامی ما به زبان فارسی است، نه عربی! در نتیجه باید بدانیم که ما با فرهنگ ایرانی عجین شده ایم. دوم این که شعر ما تا عصر شاعر «ندیم» یا حتی پس از آن تداوم سبک شعری ایران است. ما باید ایران را دوست داشته باشیم اما دوست داشتن به معنای در آغوش گرفتن نیست. خیلی باید ایران را جدی بگیریم. ایران همسایه ای ریشه دار تغییر ناپذیر ماست. لذا معتقدم که باید رویکرد جدی در برابر ایران در پیش بگیریم.

دکتر سلیمان صیفی اوغون:

دکتر اوزگور تور در شبکه Haber Global:

مصطفی کمال آتاتورک شاه ایران را آورد و با پرداخت کمی پول و خرید خاک ایران، گذرگاه ما به نخجوان را خریداری کرد. بعد از اتصال به نخجوان، گذرگاه زنگه زور اتصال بزرگتری خواهد بود. به همین دلیل این گذرگاه یک موضوع حیاتی است. ایران هزاران سال، شاید بیش از ۳۰۰۰ سال از سوی ترک‌ها اداره شده است. ایران! این را به این دلیل گفتم، من هیچ دشمنی نسبت به ایران ندارم اما همه حد خودشان را خواهند دانست. خواهند فهمید که کوریدور بین ما و آذربایجان به ضرر ایران نیست. خواهند فهمید!

آنقدر ارزیابی‌ها و اطلاعات جالبی درباره ایران شنیدیم که چیز زیادی ندارم اضافه کنم. این را می‌توان گفت که روابط ایران و ترکیه تا حد و اندازه‌ای همان روابط فارس‌ها و تورانیان است. این روابط، هم خیلی در هم تنیده است و هم خیلی از هم گسسته! این بسیار جالب است. برای نمونه تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی را می‌دانیم یعنی به اندازه‌ای از زبان فارسی واژه گرفته‌ایم که حیرت‌انگیز است. یعنی خیلی از کسانی که در زمینه زبان فارسی کار می‌کنند شگفت زده می‌شوند که فلان واژه در ترکی استانبولی فارسی است.

جنگ بین دو دولت به پایان نمی‌رسد، عثمانی‌ها و همچنین رومی‌ها همیشه مشکل شرق داشتند. جنگ‌های بین رم و ساسانیان پایان‌ناپذیر بودند و به سود هیچ کدام هم نبودند جنگ‌های ایران و عثمانی نیز پایان‌ناپذیر بودند و به سود هیچ کدام نبودند.

مجری شبکه ماتبقی تحت حمایت ترکیه:

مهمان گفت و گوی ویژه شبکه BBC:

در ایران همانطور که تحصیل به زبان ملی یعنی فارسی اتفاق می‌افتد که میراث همه افراد جامعه است، همه در خانه، خانواده و خیابان به زبان خودشان صحبت می‌کنند. لهجه‌ها و زبان‌های مختلف در ایران گویای همه چیز است. ایران بهشت زبان‌هاست! در ایران هیچ ظلم و ستمی در برابر زبان‌ها اتفاق نیفتاده است. به راحتی شعر گفته می‌شود، کتاب نوشته می‌شود و همینطور مجله منتشر می‌شود. حالا شما این وضعیت را با ترکیه مقایسه کنید. چه بلایی بر سر کردها و زبان‌شان در ترکیه آورده‌اند؟ حتی آپو (رهبر حزب کارگران کردستان در ترکیه که توسط دولت ترکیه تأسیس شد) هم نمی‌توانست به راحتی کردی صحبت کند.

ایرانی‌ها وقتی تصویر دیدار بین وزیر خارجه سعودی و ایران را منتشر کردند واقعاً تصویر دردناکی بود! چون وزیر خارجه ایران در این تصاویر مقتدر، بلندقامت و بزرگ به همراه لیخند خبیثانه ایرانی به نظر می‌رسید اما وزیر سعودی کوچک، ضعیف و با خنده‌های نامفهوم به نظر می‌آمد. ایرانی‌های خبیث این تصاویر را منتشر کردند و واقعاً دردناک بود! هیچکس دوست نداشت عربستان به این حال و روز برسد! ای کاش عربستان بر ایران پیروز شده بود! ای کاش! اما هیچکس نمی‌گوید ایران شکست خورده! هرگز کسی این را نمی‌گوید! سعودی‌ها می‌گویند این قضیه پیروزی ماست. اما آیا واقعاً این اتفاقات پیروزی شماست؟ سعودی‌ها! اینطور نیست که شما اقتدار ایران را از بین برده باشید. ای کاش این کار را کرده بودید اما این کار اقتدار ایران را از بین نبرد. صبر ایرانی‌ها در جهان معروف است. ایرانی‌ها صبر بالایی دارند. ایرانی‌ها بسیار صبورند و برای بافت یک فرش حتی ۱۰ سال وقت می‌گذارند.

کولتور سانات استاد زبان شناسی ترکیه در یک برنامه تلویزیونی:

امروز ما چیزی که به آن عثمانی می‌گوییم، چیزی که ما ترکی قدیم می‌نامیم، الفبای فارسی است. الفبای عربی نیست. آن حروف‌ها به علاوه حروف دیگه از فارسی گرفته شده است. چون ما هم به اسلام اعتقاد داریم، آن نوشتن را هم از ایرانی‌ها آموختیم. بعد از مسلمان شدن ما از اعراب یاد نگرفتیم. اصطلاحات موجود در زبان ترکی عربی نیست بلکه فارسی است. وقتی شما این حروف را جلوی یک فرد عرب زبان می‌گذارید نمی‌تواند آن را بخواند. این حروف را هم اگر جلوی یک فرد فارسی زبان بگذاریم نمی‌تواند آن را بخواند زیرا با تصرفی که در آن انجام داده‌ایم آن‌ها را به کلمات بی‌معنی تبدیل کرده‌ایم.

کارشناسی ترکیه‌ای شبکه Medya yorumu:

بعد از جنگ قره باغ سخنانی مثل: «حالا نوبت آذربایجان جنوبی است.» زیاد شد. بعضی‌ها می‌گن که باید به مرزهای تاریخی خودمون برگردیم و فلان. محض رضای خدا نگید از این حرف‌ها، نکنید. چی می‌گن، یک مثلی هست که پوست هندوانه را با یاد الاغ نیارید، دردسر ساز میشه. اگر این حرف‌ها به گوش طرف مقابل برسد و بگوید به‌به چه خوب، عالی میشه حق با شماست؛ حالا باید برگردیم به مرزهای تاریخی خودمان، شما به مرزهای تاریخی خود بازگردید، ما هم به مرزهای تاریخی خودمان باز می‌گردیم. آن موقع ما چه خاکی بر سر کنیم؟ باید مرزها را به روی آن‌ها باز کنیم؟ مرزهای تاریخی ما کجا هستند؟ چه کسی گفته مرزهای تاریخی ما شامل بوسنی و هرزگوین می‌شود؟ قبل از آن هم مرزهای تاریخی داریم! آسیای مرکزی. آن موقع باید به آسیای مرکزی برگردیم؟ این چه حرف مسخره ایست که می‌زنیم؟ وقتی می‌گویید به مرزهای تاریخی بازگردیم فکر نمی‌کنید پارس‌ها و آذری‌های ناسیونالیست ایران بشکن زده و از خوشحالی پایکوبی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که طبق اسناد تاریخی، سرزمین‌هایی مثل قره باغ، باکو، ترکمنستان، قزاقستان و... خاک تاریخی ایران است و الان وقت آن است که بازگردیم هر کداممان به مرزهای تاریخی خودمان. اگر این را بگویند چه جوابی خواهیم داشت؟ به ما خواهند گفت که شما در آناتولی نبودید و مال این‌جا نیستید، ماهم مرزهای تاریخی خودمان را داریم. به ما خواهند گفت از همان جایی که آمدید به همان‌جا بازگردید یعنی آسیای مرکزی. وقتی می‌گویید مرزهای تاریخی منظورتان چیست؟ تاریخ نسبیه، چه تاریخی مدنظرتان است؟ کدام دوره تاریخی؟ برای خندانندن نوزاد حرف نزنید.

مهمان شبکه ترکیه‌ای Canli:

حافظ، سعدی و فردوسی کسانی هستند که وقتی ملت‌های دیگر روی درخت‌ها زندگی می‌کردند این افراد، شعر ترنم می‌کردند. به همین دلیل است که هیچکس نمی‌تواند از شعر ایرانی پیشی بگیرد. از آنجایی که پدران ما شعر ایرانی را خواندن و درک کردند و وزن و نظم آن را خوب می‌دانند. ما نیز تقلیدش کردیم. این چیز بدی نیست. احمق نیستیم. پدران ما یاد گرفتند که چطور ترکی را تزیین کنند. از این نباید انتقاد کرد زیرا ترکی یک زبان غنی است اما زبان ترکی یکنواخت است و به همین خاطر برای تزیین آن از زبان‌های بیگانه استفاده می‌شود. به همین دلیل وقتی به شعر پارسی می‌رسید، پیش از هر چیزی به احترامش بایستید. آن نه شعر فرانسوی است و نه شعر روسی، آن متفاوت است. در نیمه نخست قرن دهم میلادی، شخصی مانند فردوسی با واج آرایبی و به کارگیری اسطوره‌شناسی و تزیینی بی‌همتایش، مردیست مجهز به مهارت‌های زبانی و مرام فکری بسیار چشمگیر. امروزه شرح حافظ گفتن بیشتر از یک ایرانی کار ترک‌های قرن هجدهم است. حافظ یک شخص بی‌نظیر است. خیام هم همینطور و همچنین این افراد ریاضیدان، اخترشناس و... نیز بودند. شعر ایرانی یک چیز دیگر است و روی همه تأثیر می‌گذارد. آموختن شعر فارسی بر خلاف عام ما را از جامعه‌مان جدا نمی‌کند. این برای ادبیات ترکیه یک گنجینه و راه جدید بود.

ترکيه عليه تركيه!

خانم تولای حاتیمو غولولاری، نماینده آدنا در پارلمان ترکیه:

من فقط از رخداد‌های ۱۰ سال اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا سخن می‌گویم. از آغاز جنگ سوریه در مارس ۲۰۱۱ ترکیه به ایفای نقش پرداخت. نقشی که ترکیه باید ایفا می‌کرد. همراهی با نیروهای استعمار سازمان‌های اخوان المسلمین، داعش و القاعده نبود. بلکه بر خلاف آن به جای پشتیبانی از آن‌ها باید به یکپارچگی خاک سوریه پایبند می‌ماند و طرف‌های درگیر را به صلح و گفتگو دعوت می‌کرد. به عنوان کشور همسایه باید همه را به میز مذاکره فرا می‌خواند. قطعاً این وظیفه ترکیه بود زیرا ما با سوریه ۹۱۱ کیلومتر مرز مشترک داریم اما حزب عدالت و توسعه و حزب همپیمان ریاست جمهوری چه کار کرد؟ «دوستم اسد» به یکباره شد «اسد». به یاد دارید که در گوتای شرقی، یکی از اراذل منصوب به جهادی‌های سلفی که از ادلب آمده بود، گفته بود که اگر ما را در ادلب تنها بگذارید، اگر به زور روسیه ۱۲ نقطه دیده‌بانی را بردارید که البته نزدیک به ۱۰۰ درصد آنها برچیده شد، اگر به زور روسیه ما را ترک کنید، همانند بزرگراه «ام ۴» که همه نقاط دیده‌بانی را یکی یکی ترک کردید، که آن موقع هم جزو برنامه‌های تان بود ولی حالا دارید ترک می‌کنید آن وقت، ظرف دو ساعت در ریحانلی خواهیم بود. ببینید ارمغانی که شما از سیاست سوریه به همراه آوردید امروز نتیجه‌اش شده حضور اراذل جهادی سلفی و بازوهای القاعده و النصره در مرز، فقط هم در مرز نیست. در دل آنکارا، استانبول و انتاکیه شما بمب آماده انفجار برای این جامعه به ارمغان آوردید. ببینید! برنامه پدافند موشکی اس ۴۰۰ و جنگنده‌های اف ۳۵، ترکیه میلیاردها دلار خرج برنامه خرید جنگنده‌ها و سامانه پدافند موشکی کرد. سامانه اس ۴۰۰ در هانکار متوقف شده و ترکیه را از برنامه خرید جنگنده اف ۳۵ بیرون کردند.

با وجود بحران اقتصادی که خیلی از مناطق کشور را در بر گرفته است جای دیگر جنگجویان جهادی را به لیبی فرستاده و آن‌ها را تامین مالی کردید ولی اینجا کارگر، کشاورز، روستایی، شهرنشین و کسب و کارها گرسنه‌اند، گرسنه! شما این‌ها را درک نمی‌کنید. ببینید در قفقاز چه شد! قدرت حاکم پس از حل مشکلات در سوریه، لیبی و عراق حالا به قفقاز رفته است. رئیس جمهور به جمهوری آذربایجان می‌رود و یک شعر می‌خواند و همه چیز را بر هم زده و آشفته می‌کند. جناب وزیر خارجه! وظیفه حل این مشکل بر عهده شما بود. وظیفه پاک کردن گندی که رئیس جمهور زده بود بر عهده شما افتاد. اینجا وزیر خارجه ایران می‌گوید: مگر می‌شود رئیس جمهور

معنای شعر «رود ارس را با ماسه پر کردند» نداند؟ وزیر خارجه وارد عمل می‌شود و تلاش می‌کند تا مشکل را از راه دیپلماتیک حل کند، هر کاری که می‌کنید، بکنید ولی می‌بینید که این رژیم تک نفره سیاست خارجی را نابود کرده و اکنون تلاش می‌کند در رابطه با ایران پیشکش جدید و تازه‌ای به ما تقدیم کند.

من بر این باورم این شعر خیلی تصادفی هم خوانده نشده بود، البته نمی‌دانیم، ولی زمان این را به ما نشان خواهد داد. سر و سامان دادن این مشکلات بر عهده وزارت خارجه می‌ماند ولی سر و سامان داده نمی‌شود. هم‌میهنان عزیز ببینید، اینجا این حکومت و رژیم یک نفره ترکیه با آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و ایران، با موج سواری بر روی آونگ سیاست، سرانجام به این نقطه رسید که گفتند یک بازی راه می‌اندازیم ولی قطعاً خودتان قربانی این بازی خواهید شد.

آقای قلیچدار اوغلو، رئیس حزب جمهوری خواه ترکیه:

پلیس و سربازهای ما به سوریه رفتند، برای نبرد؟ چه نبردی برادرم؟ وقتی می‌توان آشتی کرد چرا دعوا؟ ۳۳ نفر از سربازان مان را روس‌ها کشتند. ۳۳ سرباز، می‌پرسم: چه کار کردی؟ وقتی که ۳۳ سرباز شهید شدند چه کردی؟ دوان دوان رفتی خدمت پوتین، او باید می‌آمد اما تو رفتی! این با شرافت من جور در نمی‌آید. به عنوان شهروند جمهوری ترکیه با آبرو و حیثیت من همخوانی ندارد. او (اردوغان) را جلوی درب منتظر نگه داشتند و آن را در شبکه‌ها پخش کردند. مگر اینگونه می‌توان دولت را اداره کرد؟

دوستان عزیز! ما می‌گوییم که در کنار یکپارچگی خاک سوریه هستیم. ما خواهان تجزیه و چند پاره شدن خاک سوریه نیستیم. این را با صداقت می‌گوییم، صلح را برای سوریه به ارمغان خواهیم آورد و ترکیه، سوریه، عراق، ایران و با همه همسایگان خود آشتی را به ارمغان خواهیم آورد. طرح خاورمیانه بزرگ را ما به ارمغان خواهیم آورد. اردوغان می‌گوید که سربازان ما شهید می‌شوند. عالیجنابان! او این را می‌خواهد. چرا سربازان ما، فرزندان و بچه‌های ما بی کس و غریب آن‌جا کشته می‌شوند؟ اعضای جنبش جوانان ترک هستند که سرود نظامی را می‌خوانند و می‌گویند فرمانده ارشد ما اردوغان است. برادر جان! آن‌ها را به سوریه بفرست. بلال اردوغان را نیز فرمانده کل آنها کن، مگر چه می‌شود؟ شبه نظامیان داعش و القاعده را از زندان آزاد می‌کنی؛ نیروهای امنیتی و پلیس دوباره آن‌ها را دستگیر می‌کنند. دو سرباز ما را زنده زنده سوزاندند! دوسرباز! پلیس آن‌ها را بازداشت می‌کند، به

عدالت می‌سپارد تا چشم برمی‌گردانی می‌بینی آن‌ها را آزاد کرده‌اند، چه کسی میانجی شد تا آنها را آزاد کنید؟ چه کسی میانجی شد؟ بعد یکی از دوستان روزنامه نگار ما که داستان آزادی آن‌ها را نوشت، رفتند او را دستگیر کردند و به زندان انداختند! چرا حساب‌های بانکی القاعده و داعش را مسدود نمی‌کنید؟ سازمان‌های دینی آن‌ها که ۴۲ سال در ترکیه فعالیت می‌کنند را می‌شناسید، چرا با آن‌ها مبارزه نمی‌کنید؟ اتاق‌هایی که در آن می‌خوانند را همه می‌شناسند. چرا مداخله نمی‌کنید؟ اول در اندیشه کشورت باش، اول به فکر خاک خودت باش، در اندیشه میهن خود باش، این مسئله مهمی است.

در این لایحه مجوزی خواسته شده است: حضور نیروهای بیگانه در ترکیه بر اساس ارزیابی‌های شخص رئیس جمهور باید ادامه داشته باشد. بزرگواران! حضور نیروهای بیگانه در خاک ترکیه یعنی چه؟ من می‌پرسم، با اردوغان کاری ندارم، از اردوغان نمی‌پرسم، لازم نیست که بپرسم. واقعیتش از کسی که توانایی اداره امور را ندارد، پرسیدن خطاست. آنهایی که دست موافقت برای این لایحه بلند می‌کنند، این سربازان بیگانه کی هستند؟ شما که برای آمدن، حضور و استقرار سربازان بیگانه در ترکیه خوشحال هستید، پاسخ دهید، شما ملی گرا هستید یا ما؟ نمی‌خواهیم پوتین سربازان بیگانه را وارد خاک دولت جمهوری ترکیه کند. این بند را از لایحه خارج کنید. اگر میهن پرست هستید به این خفت پایان دهید. مگر می‌شود این اندازه از رذالت؟ می‌خواهید پای تروریست‌ها را اینجا باز کنید و سرباز بیگانه به اینجا بیاورید. چه کسی می‌خواهد؟ اردوغان. می‌خواهید طالبان را بیاورید؟ چه کسی را می‌آورید؟ آمریکایی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها، یونانی‌ها؟ پای چه کسی را به اینجا باز می‌کنید؟

آقای مرال اکشنر رئیس حزب خوب ترکیه:

کاری در خاورمیانه انجام دهیم. « ما نمی‌توانیم » معانی بسیاری می‌تواند داشته باشد. می‌گوید که در قفقاز، دریای سیاه و خاورمیانه بدون ترکیه کاری نکنید حتی اگر هم شده باید با کمک ترکیه جنگ سوریه را به پایان برسانیم ولی نباید به ایران و روسیه یک پیروزی هدیه بدهیم. همچنین بیان می‌کند که ما از توان نظامی ترکیه در جنگ سوریه استفاده می‌کنیم، من دیگر درباره این مقاله صحبتی نخواهم کرد. جناب وزیر ایشان را از نزدیک می‌شناسند. در این گفتگو هم اشاره شده خب ببینید. بارها در این تریبون گفته‌ام ترکیه سیاست خارجی، بشر دوستانه و مبتکرانه‌ای ندارد. سیاست خارجی ترکیه کاملاً مداخله جویانه است. هر جا که فرصتی پیش می‌آید تلاش می‌کند از خلأ به وجود آمده استفاده کند.

سیاست خارجی ترکیه تحت سلطه قدرت‌های استعماری است. یعنی سیاستش در راستای برآورده کردن خواست قدرت‌های استعماری است. حتی به ما می‌گویند این کار را بکنید، شما را تامین مالی می‌کنیم. ببینید من چند روز است که می‌شنوم و همه درباره بودجه شنیدید که می‌گویند خیلی جای نگرانی نیست. ترکیه عضو ناتو است و آمریکا که آرام آرام از منطقه خارج می‌شود، می‌خواهد این خلع را با ترکیه پر کند.

چندین روز است که علناً این را می‌شنویم. این‌ها حرف‌های من نیست. قدرت‌های غربی می‌گویند که در سوریه که ایران و روسیه هستند، ترکیه که عضو ناتو است را در مقابل آن‌ها قرار می‌دهیم. آن‌ها نهایتاً این را می‌گویند. ترکیه ۷۰، ۸۰ سال است که بخشی از بلوک غرب است و تلاش می‌کند تا به یکی از قدرت‌های ناتو تبدیل شود. یعنی ۷۰ سال پیشینه دارد از سال ۱۹۵۰ تا به امروز. امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای اروپا هر سه آن‌ها به مرحله تحریم ما رسیده‌اند. جناب رئیس، من ادامه نمیدهیم. می‌شود شما ادامه دهید؟ من دیگر صحبت نمی‌کنم. سرم درد می‌کند. حرف نمیزنم. می‌خواهم بگویم که کسانی که سر و صدا می‌کنند و نمی‌گذارند من صحبت کنم یا دو دقیقه سکوت کنند یا آنها بیایند اینجا حرف بزنند. ماهی یک بار می‌آییم اینجا صحبت می‌کنیم نمی‌توانید یک ذره دندان روی جگر بگذارید؟ چیز دیگری نمی‌خواهم بگویم چقدر شما بی ادب هستید!

نمایندگان گرامی! در برابر این شرمساری انسانی، متأسفانه برای بازدارندگی در برابر اسرائیل و بهبود زندگی فلسطینی‌ها، از سران کشورمان یک گام قاطع ندیدیم. مثلاً بین ما و اسرائیل بالغ بر ۶ میلیارد دلار روابط بازرگانی وجود دارد. مگر نه این‌که در کوره جیک، پایگاه راداری وجود دارد که اگر از ایران به اسرائیل حمله‌ای شود، به آنها خبر می‌دهد. خوب آیا این پایگاه بسته شد؟ نه! بسته نشد. هیچ کدام از این‌ها نیست. خوب چی هست؟ یک مشت رجزخوانی است. روی صندلی‌ها آه و فریادهای تاریخی است. در شبکه هابر و ینی شفق تحلیل‌ها و نوشته‌های آتشین است. ملت ما، رجز خانی‌های سرشار از دروغ و پر ادعای شما در تلویزیون را دیگر باور نمی‌کند. اشک تمساح و این حرف‌ها که هیچکس به اندازه شما برای فلسطین تلاش نکرده را دیگر نمی‌توانید به خورد کسی بدهید. دولتمرد بودن فقط به پشت میز نشستن نیست، بلکه با دیپلماسی خردمندانه شدنی است. رهبری کردن به جز رجز خوانی نیست بلکه با عمل، شدنی است. با حسن نیت، با استواری و جدیت، شدنی است. سخنان پوچ را رها کن و کاری که لازم است انجام بده.

آقای هیشیار اوزسوی، نماینده دیار بکر در پارلمان ترکیه:

یک نکته! ببینید ترکیه به خاورمیانه و جهان چه چیزی صادر می‌کند؟ سرباز، تجهیزات نظامی و اگر نداشته باشد، در سوریه شبه نظامیان اوباش صادر می‌کند. همین کار را می‌کند و یا همانطور که می‌دانید به لیبی شبه نظامی اعزام می‌کنند. این راه هر کسی می‌داند، عالم و آدم این را می‌داند. ولی آن‌هایی که می‌گویند ما در یک نبرد ضد استعماری هستیم، تازگی‌ها مقاله‌ای از جیمز جفری در رسانه المانی‌تور منتشر شد که توصیه می‌کنم آن را بخوانید، می‌دانید چه می‌گوید؟ می‌گوید که ما به ترکیه خیلی نیاز داریم چون ما بدون ترکیه نمی‌توانیم



ترکیه، مقصد جدید سرمایه و نیروی کار ایران!

ترکیه، به دلیل همسایگی و اشتراک فرهنگی با ایران، عدم نیاز به ویزا و... جزء اولین مقاصد مهاجرت ایرانی‌ها به ویژه برای کار و تحصیل است. همچنین ترکیه اجازه‌ی اخذ اقامت و شهروندی این کشور را صرفاً با خرید ملک و بدون نیاز به هیچ شرط دیگر فراهم می‌کند. این کشور سالانه میزبان بیش از ۲ میلیون توریست از کشور ایران است.

طبق نتایج نظرسنجی رصدخانه مهاجرت ایران در بهار و تابستان ۱۴۰۱، در میان عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت ایرانیان به کشورهای همچون ترکیه، شیوه حکمرانی و مملکت‌داری، بی‌ثباتی اقتصادی و فساد نهادینه در کشور، تحریم، نوسان قیمت ارز، تورم و شرایط اقتصادی مهم‌تر از سایر عوامل تلقی شده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که تمایل اقشار تحصیل کرده جامعه به مهاجرت «زیاد» و «خیلی زیاد» بوده و این موضوع نه تنها منجر به خروج نیروی انسانی مهم و مفید از جامعه شده بلکه فرار مغزها را با خود به دنبال داشته است.

یکی دیگر از دلایل مهاجرت با توجه به تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های اقلیمی است. طبق آمار اعلام شده از سوی رئیس رصدخانه مهاجرت ایران، ۳۱ نوع از بلایای طبیعی در سطح جهان، در ایران اتفاق می‌افتد. همچنین خشکسالی‌های اخیر در کشور و کمبود منابع آبی نیز عامل مهمی برای کوچ و جابه‌جایی است.

بنابر اعلام مرکز آمار ترکیه در سال ۲۰۲۱، جمعیت ایرانیان در ترکیه ۱۵۵ هزار نفر بوده است. مهاجرت نیروی انسانی با کیفیت بالا و نیروی کار ماهر می‌تواند اثرات چشمگیری بر اقتصاد و جامعه در کشورهای مقصد داشته باشد. ضمن این که از بین مهم‌ترین شاخص‌های محرک مهاجرت نیروی کار می‌توان به اختلاف دستمزد حقیقی با برابری قدرت خرید بین کشورهای پذیرنده و فرستنده مهاجران کاری اشاره کرد. همچنین شاخص‌های مهم دیگر مانند سهم بهره‌وری، بیکاری، اشتغال در دسترس و... نیز از جمله دیگر شاخص‌های بازار کار مؤثر بر مهاجرت هستند. تمام این عوامل در حالی است که با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، انواع راه‌کارهای پیدا کردن شغل در ترکیه پیش روی شما قرار می‌گیرد و سایت‌های مختلف شرایط کار در این کشور، مشاغل پردرآمد، شغل‌های مورد نیاز، میزان حقوق هر شغل و... را در اختیار شما قرار داده و بازار گرمی می‌کنند.

یکی از موضوعات مهم در خصوص پیدا کردن شغل در ترکیه، پیش‌بینی آینده اقتصادی این کشور است. افول و رکود اقتصادی در بازار ترکیه بر صنایع مختلف اثر گذاشته و بسیاری از کار، بیکار شده‌اند. نکته قابل توجه این است که افراد در اقامت توریستی در ترکیه، اجازه کار ندارند و در مغازه‌ها و رستوران‌ها مشغول به کار می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از ایرانیان مهاجر به ترکیه تصمیم می‌گیرند برای خودشان کسب‌وکار راه‌اندازی کرده و شغل خودشان را داشته باشند. ضمن این که طبق گزارش‌های منتشر شده از سوی برخی رسانه‌ها در مصاحبه با مهاجران ایرانی که از ترکیه به کشور بازگشته‌اند، نارضایتی از دستمزد و وضعیت اقتصادی مشهود است.

ایران، در حالی که در سال ۲۰۲۱ میلادی رتبه ۲۰ پناهنده فرستی و ۵۴ مهاجر فرستی جهان را از آن خود کرده که به باور کارشناسان، با لغو محدودیت‌های مرزی و کاهش موج کرونا، روند مهاجرت و پناهندگی ایرانی‌ها بار دیگر افزایش یافته است. اگرچه هنوز آمار مدونی در این زمینه منتشر نشده، موضوعی که در مشاهدات میدانی برای مثال مشاهدات میدانی روزنامه هم‌میهن به چشم می‌خورد این است که همزمان با آغاز موج اعتراضات از شهریور ۱۴۰۱، تعداد متقاضیان پناهجویی در کشور در سال ۲۰۲۲ میلادی افزایش محسوسی یافته است.



ترکیه، مقصد جدید سرمایه و نیروی کار ایران!

طبق گزارش سالنامه مهاجرت ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی، میزان وضعیت پناهندگی ایرانیان در خارج از کشور نسبت به سال ۲۰۱۵ میلادی، ۶۸ درصد افزایش داشته است. در این سال، روند مثبت درخواست پناهندگی ایرانی در مقایسه با سال ۲۰۲۰ میلادی نیز ۳۵ درصد افزایش یافته و در بین بالاترین تعداد درخواست‌های پناهندگی اتباع ایرانی در کشورهای جهان نام ترکیه نیز به چشم می‌خورد اما مهاجرت ایرانی‌ها، تنها محدود به خروج نیروهای انسانی نیست؛ بلکه بسیاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی نیز به این ترتیب از کشور خارج می‌شود. در همین راستا، ترکیه طی سال‌های اخیر یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌های ایرانی بوده و خرید خانه و ثبت شرکت در ترکیه توسط اتباع ایرانی افزایش محسوسی داشته است. تغییر قانون سرمایه‌گذاری خارجی ترکیه و کاهش میزان سرمایه مورد نیاز برای دریافت اقامت از ۵۰۰ به ۲۵۰ هزار دلار، یکی از عوامل اصلی افزایش میل ایرانی‌ها برای سرمایه‌گذاری در این کشور است. در بین ۱۰ کشور برتر دارای برنامه شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری، نام ترکیه نیز به چشم می‌خورد که توانسته از طریق برنامه‌های مهاجرتی مانند اعطای شهروندی یا اقامت در ازای خرید خانه موفق عمل کند.



مجموع سرمایه هزینه شده توسط اتباع ایرانی برای خرید خانه و ثبت شرکت در ترکیه طی سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ معادل ۳ میلیارد و ۴۷۱ میلیون و ۱۹۰ هزار دلار بوده و بیشترین ثبت شرکت به ترتیب در حوزه‌های تجارت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، فعالیت‌های املاک و فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فناوری بوده است. منفی بودن حساب خالص سرمایه ایران در سال‌های اخیر نشان از خروج سرمایه بالا از کشور دارد که سرمایه‌گذاری ایرانیان در ترکیه یکی از دلایل اصلی آن است. یکی از مشکلات اساسی در ایران، جدی نگرفتن موضوع مهاجرت است. بسیاری از افرادی که برای تحصیل یا کار از ایران می‌روند، دیگر قصد بازگشت به کشور را ندارند و شرایط و زیرساخت‌های مناسب برای استفاده از تخصص و مهارت آن‌ها در کشور نیز فراهم نیست. عوامل شکست و ناکارآمدی برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی در کنترل مهاجرت را نیز می‌توان در مواردی همچون درک نادرست دستگاه‌های اجرایی و سیاستگذاران از علل و ریشه‌های مهاجرت در کشور، ناکارآمدی و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و فقدان نهاد تخصصی در حوزه مهاجرت در کشور جست‌وجو کرد. براساس شواهد و تحقیقات رصدخانه مهاجرت ایران، حدود ۷۰ درصد ایرانیان خارج از کشور که اکثریت آن‌ها دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، تمایل کم و کمی برای بازگشت به کشور دارند. همچنین حدود ۹۰ درصد آن‌ها نسبت به وعده‌های حاکمیت برای استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور خوشبین نیستند. باید توجه داشت که ابعاد اقتصادی مهاجرت و همچنین مهاجرت اقتصادی سرمایه‌های مالی و انسانی اهمیتی غیرقابل انکار دارد و ایران بدون توجه به ابعاد مختلف مهاجرت و برنامه‌ریزی درست و پیش‌بینی برای آینده آن، در برنامه‌های توسعه‌ای خود موفق نخواهد بود.

مشکل ما با ایران است!

چند وقت پیش اردوغان در باکو اظهار نظری نسبت به ایران کرد که توجهات بسیاری را جلب کرد. اردوغان: «در صورت گشایش کوریدور زنگه زور ترکیه، آذربایجان و ایران از طریق این جاده بهم وصل می‌شوند. گشایش کوریدور زنگه زور مسئله‌ای با ایران است، نه ارمنستان. رویکرد ایران هم جمهوری آذربایجان و هم ترکیه را ناراحت می‌کند و در اصل آن‌ها هم نیز باید ناراحت شوند. امیدوارم که این مسئله را در کوتاه‌ترین زمان ممکن حل بکنیم. اگر رویکرد مثبتی نسبت به این موضوع داشتند امروز آذربایجان، ترکیه و ایران هم از طریق جاده و هم از طریق راه آهن با یکدیگر ادغام می‌شدند و شاید خط پکن - لندن نیز باز می‌شد.»

حال باید چند نکته بررسی شود. زمانی که وزیر امور خارجه، هاکان فیدان، توسط اردوغان معرفی شد، این فرد قبلاً یکی از مسئولان دستگاه اطلاعاتی ترکیه بوده است. همان موقع گزارشاتی در فضای فارسی زبان نوشته شد که می‌گفتند آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها می‌گویند که رابطه فیدان با ایران خوب است و اگر روی کار بیاید رابطه ایران و ترکیه امیدوار کننده می‌شود. باید گفت خیلی خوشبینانه نگاه کردن به مسئله ترکیه و مسئله باکو و همینطور قفقاز بسیار خنده‌دار است. دلیل این که می‌گویند با ایران رفیق است این است که زمانی که در ترکیه کودتا انجام شد از طرف قاسم سلیمانی با آن‌ها تماس گرفته شد و گفت که به چه چیزی نیاز دارید من می‌توانم التهابات ایجاد شده در کشورتان را جمع بکنم. قاسم سلیمانی با این شخص که رئیس میت ترکیه بود تماس گرفت. حالا یک عده به این نتیجه رسیدند که چون آن زمان و در مسئله کودتا ایران و ترکیه به وسیله قاسم سلیمانی و هاکان فیدان با یکدیگر همکاری کردند پس الان نیز این سمت باعث نزدیکی ایران و ترکیه می‌شود. بر اساس این استدلال پس باید گفت مسعود بارزانی هم با ایران رفیق است زیرا این شخص کم جلسه با قاسم سلیمانی نداشته است. انتخاب این فرد به عنوان وزیر امور خارجه ترکیه نشان می‌دهد که می‌خواهند بر منطقه و همینطور قفقاز به زودی مسلط شوند. اتفاقات قفقاز هم که هم اکنون مشاهده می‌کنیم دستپخت میت ترکیه، در زمان مسئولیت هاکان فیدان است. پس از این انتصاب می‌توان فهمید که ترکیه به دنبال افزایش تنش در منطقه است که بازوی اصلی آن دستگاه دیپلماسی ترکیه می‌باشد. باید گفت که بخشی از این گستاخی‌ها که از سمت اردوغان مطرح می‌شود، به خاطر حماقت و رفتار سازش کارانه فردی است که در راس ارمنستان قرار گرفته است. هزار و یک سوال در مورد این آدم وجود دارد. جنگنده‌هایی که در طول نبرد باکو و ارمنستان به پرواز در نیامدند. این آدم اشاره کرده بود به این که این جنگنده‌ها گلوله برای شلیک نداشتند اما بعدها مشخص شد که دروغ می‌گوید.

داخل ارمنستان، گروه‌های مختلفی از جمله ارتش نسبت به عملکرد پاشینیان اعتراض کردند، آن هم در حالی که فقط چهار ماه از جنگ ارمنستان با ترکیه و باکو می‌گذشت اما ترکیه آمد گفت من هشدار می‌دهم نسبت به کودتایی که احتمال دارد علیه پاشینیان انجام شود این آدم مسئول قانونی کشور ارمنستان است.

جالب است که دشمن تو می‌آید و درباره کشورت صحبت می‌کند، پس این مشخص است که پاشینیان بخشی از بازی و یک مهره در ارمنستان است. بعضی از افراد داخلی در ایران می‌گویند که باید با ارمنستان ببندیم اما ارمنستان باید به این فکر بکند که آیا دوست دارد در منطقه وجود داشته باشد یا تمایل دارد که هضم شود. اول باید این مشخص شود و سپس ایران باید بداند با چه کسی کار را ببندد، با کسی که در کنار این‌ها ایستاده یا در زمین ترکیه بازی می‌کند. این‌ها مسائلی است که باعث می‌شود ترکیه بگوید پاشینیان با ما است پس مردم ارمنستان هم با ما هستند و این ایران است که مشکل ساز می‌باشد. ترکیه برای رسیدن به آذربایجان اصرار دارد که از زنگه زور استفاده کند، در حالی که بسیاری از کارشناسان گفتند می‌توان از تفلیس در گرجستان نیز به آذربایجان دسترسی پیدا کرد. هدف ترکیه برای استفاده از این کوریدور برای عبور چیست؟ این موضوع بسیار واضح است، هدف خفه کردن ایران از لحاظ ژئوپولیتیک در منطقه قفقاز است.

خیلی‌ها برای مسئله اردوغان، صدام را مثال می‌زنند که با تحریک عرب‌ها می‌خواست ایران را اشغال کند. اردوغان هم نیز با تحریک تجزیه طلب‌های ایران همچین قصدی را دارد، پس دچار سرنوشت صدام می‌شود. این مثال زدن اینجا لازم نیست، زیرا برای اردوغان می‌توان خودش را مثال زد. اردوغان در منطقه تنها کسی است که هر کاری را خواسته شروع کند، پر سر و صدا آغاز کرده اما با شکست از آن خارج شده است. به عنوان مثال: آن‌ها گفتند که وضو گرفته‌ایم و می‌خواهیم در فلان مسجد سوریه نماز بخوانیم چند سال از آن حرف گذشته است؟

نکته بعدی این است ترکیه تنها کشوری است که سیاست خارجه خود را بر اساس دشمنی با همسایگان خود بنا کرده است. همچین کشوری که چنین سیاستی دارد و همینطور دچار اپوزیسیون‌های پر سر و صدا می‌باشد در ۵ سال آینده به یقین دچار مشکل خواهد شد.

جالب است بدانید، سر مسئله سوریه اردوغان چندین بار به ایران دیدار با رهبر ایران سفر کرد و یک رابطه مراد و مریدی در پیش گرفته بود و حتی با رهبری در فروردین ماه در مشهد نیز دیدار کرد تا ایران را مجاب کند از سوریه خارج شود. اما باز خورد ایران به اردوغان این بود که کنار سوریه خواهد ایستاد تا خاکش را بتواند به طور کامل آزاد کند. اردوغان پس از آن که فهمید نمی‌تواند نظر ایران در مورد سوریه را برگرداند اظهارات صریحی علیه رهبر ایران داشت. حالا نیز اردوغان سعی دارد با ورود به منطقه قفقاز همان برنامه را پیاده کند اما چیزی که مشخص است معادله همان معادله است و رهبر ایران گفته است که ما روی آن منطقه و مرزهای آن بسیار حساس هستیم و از آن نمی‌گذریم.

در نهایت باید گفت اینجور گستاخی‌های اردوغان به خاطر وجود یک فرد سازشگر در راس ارمنستان است و الا رهبر ایران گفته است که هرگونه تغییر مرزهای جغرافیایی در کشور های منطقه نباید رخ بدهد.

شاه ترکان فارغ است از حال ما، کو رستمی؟

دنبال آرمان شهری برای خیال بافی هستند، باز کنند و با چشم پوشی از واقعیت‌هایی که در دل هر جامعه تعبیه شده، با نمایش تصاویر زیبا از انسان‌ها و روابط انسانی، شهرها و زندگی‌هایی با پایان خوب و مخاطب پسند در پوششی از رنگ و لعاب، آنچه می‌خواهند به ذهن مخاطب خود دیکته کنند. استفاده از داستان‌های عاشقانه افسانه‌ای، دلدادگانی که پس از مصائب فراوان به وصال یار می‌رسند یا عاشقی که در راه عشق خود را فدا می‌کند؛ جدال‌های سرگرم کننده بین قهرمان و معشوق احتمالی، حمایت و عشق‌ورزی‌هایی که در دنیا واقعی محقق نمی‌شوند، پروتاگونیست‌هایی با جذابیت‌های ظاهری و معصومیتی باطنی که دلاورانه در برابر ضدقهرمان ایستادگی می‌کنند و با همراهی نقش‌های مکمل در قالب دوست، معشوق یا خانواده چالش‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و یک پایان راضی کننده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و در نهایت گره‌های داستان را گشوده و با یک پایان توأم با غم یا شادی احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد.

شخصیت‌های فراوان و مدت زمان طولانی پخش هر اپیزود در دیزیزها به صاحب اثر این فرصت را می‌دهد تا به آرامی مخاطب را در درون مایه داستان خود حل کند و همراهی او را به گونه‌ای برانگیزد که بدون این که خودش بداند، بخشی از داستان و زندگی شخصیت‌ها شود و به وسیله همزاد پنداری با آن همراه اثر مذکور زندگی کند بنابراین شباهت‌های فرهنگی و زبانی کشور ترکیه با مناطق ترک نشین در غرب ایران، پایین بودن میزان سختی و درهم شدگی زبان ترکی با زبان فارسی، هم‌پوشانی جامعه‌ای مسلمان با مضامین غربی با آنچه بخش قابل توجهی از جوانان ایرانی که در آرمان‌های خود به دنبال تحقق آن هستند، همه از جمله عواملی است که گرایش به این داستان‌ها را در کشور ما افزایش داده است. با وجود فرهنگ غنی و اصیل ایرانی، داستان‌های اساطیری و عاشقانه‌های بی‌بدیل، افسانه‌ها و قصه‌های ماندگار که از گذشتگان برای ما به یادگار مانده؛ جامعه ایران مجال آشنایی با این قبیل الگوها را پیدا نمی‌کند و ناچار است الگوهای هویتی خود را نه از اسطوره‌های داخل بلکه در بیرون از مرزهای فرهنگی خود جست‌وجو کند.

باعث تأسف است نه صنعت سینما، نه بازی‌های دیجیتال، نه مدارس و جامعه هنوز نتوانسته به درستی از این فرصت‌ها بهره‌برد و بر اساس استانداردهای موجود در صنعت سرگرمی، علاوه بر احیای فرهنگ باستانی در خاطر نسل جوانان، با استفاده از این امکانات در دسترس و با روش‌هایی منطبق بر دیپلماسی فرهنگی جامعه و فرهنگ ما را به دیگر نقاط جهان معرفی کند.

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
چنان بردند صبر از دل، که ترکان خوان یغما را

در عصر حاضر و به خصوص چند دهه اخیر با توجه به افزایش روز افزون قدرت نرم رسانه‌ها و توسعه ارتباطات و گسترش تعاملات از طریق مجراهای فرهنگی، قدرت، شکل قهریه و خشونت‌آمیز خود را در پشت تبلیغات فرهنگی و اشاعه الگوهای زیستی گوناگون پنهان کرده و در همین اثنی کشورها در تلاش‌اند تا با استفاده از شیوه‌های نامحسوس به وسیله دیپلماسی فرهنگی در اقصی نقاط جهان بر جوامع هدف نفوذ کرده و اثر بگذارند. از جمله مهم‌ترین عواملی که تحقق این اهداف را سرعت بخشیده اینترنت و شبکه‌های ارتباطی گسترده است که محتوای تولید شده در قالب فیلم، سریال، بازی‌های ویدیویی، موسیقی و... را در راستای اهداف و القای الگوهای فرهنگی کشور مادر در طولانی مدت به جوامع هدف تحمیل می‌کنند.

دو کشور ایران و ترکیه چه از لحاظ جغرافیایی و چه از لحاظ تاریخی، فرهنگی و مذهبی همگونی و شباهت‌های زیادی با هم دارند اما با این وجود همواره اختلافات و مسائلی وجود داشته که مانع روابط گرم و دوستانه بین دو کشور شده و این مسئله روابط ما بین را به چاشنی مرادفات رقابت‌جویانه آغشته کرده است.

به این ترتیب، یکی از مهمترین مسائلی که این دو کشور هم بر سر آن همکاری داشته و هم به رقابت می‌پردازند، مسائل فرهنگی-اجتماعی است.

سریال‌های ترکی یا اصطلاحاً دیزیز یکی از مهم‌ترین جلوه‌های استفاده از دیپلماسی فرهنگی ترکیه در دنیای امروز است که با استفاده از آن توانسته راه خود را به سید فرهنگی مردم چه در کشورهای همسایه و چه دیگر کشورها در اقصی نقاط جهان باز کند. این مسئله از جایی برای ما اهمیت پیدا می‌کند که این محبوبیت فرهنگی را به عنوان تهدیدی برای فرهنگ داخلی کشور تلقی کنیم بنابراین باید نسبت به نتایج آن حساس شویم. سریال‌های ترکی سال‌هاست از طریق ماهواره یا شبکه‌ها و پلتفرم‌های اینترنتی مخاطبان زیادی را در کشور ما به خود اختصاص داده و تاثیر این موضوع را می‌توان در گرایش به سبک زندگی، محبوبیت فرهنگ، سلبریتی‌های ترک و حتی مسئله مهاجرت ایرانیان به ترکیه پیدا کرد.

با توجه به این که فرهنگ کشور ترکیه فرهنگی اسلامی است و مردم در زندگی واقعی و روزمره خود گرایش‌های زیادی به اسلام دارند اما آن چه رسانه ترکی در فیلم‌ها و سریال‌های خود به نمایش می‌گذارد چیزی فراتر از واقعیت است که تنها به دنبال جذب مخاطب و ارائه تصویری غیرواقعی از این کشور است. صنعت مد، روابط آزاد اجتماعی، عاشقانه‌های افسانه‌ای و... از مهم‌ترین دلایلی هستند که باعث افزایش جذابیت‌های بصری این قبیل برنامه‌ها می‌شود و همین موضوع موجب شده تا دیزیزها به راحتی جای خود را در دل جوانان و نوجوانانی که از زندگی روزمره خود خسته و

«پان ترکیسم در ایران»

گرچه ترکی بس عزیز است و زبان مادری؛
لیک اگر ایران نگوید لال بادا این زبان

نشان داده است؛ نخست در سال ۱۳۲۴ به شکل فرقه دموکرات آذربایجان که کشور را تا مرز تجزیه پیش برد و سپس در فعالیت های حزب خلق مسلمان در اوایل انقلاب اسلامی.

از نظر تام نیرن و مایکل هچتر محدودیت نسبی مناطق عقب مانده، نسبت به مناطق توسعه یافته در داخل کشور، از عوامل گسترش ناسیونالیسم قومی به شمار می رود. آذری ها، قرن های متمادی در داخل ممالک محروسه ایران، با اقوام دیگر، به شکل مسالمت آمیز می زیستند و هیچ نوع افراطی گرای قومی یا زبانی از خود نشان ندادند بلکه همواره در حفاظت از مرزهای کشور پیشگام بودند. شورش ها و قیام هایی که در آذربایجان رخ می داد مانند قیام ستارخان و باقرخان و قیام لاهوتی خصلتی ملی و آزادی خواهانه داشتند. نقش آذری ها همچنین در تشکیل حکومت ملی صفوی، رسمی کردن مذهب شیعه، دفاع از کشور در مقابل روس ها و عثمانی ها و همچنین در پیروزی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی انکار ناپذیر است اما با تغییر مناسبات اجتماعی و سیاسی نوعی احساس محرومیت و تبعیض بین شان ایجاد شد که خودش عاملی برای کشمکش های خشونت آمیز و گرایش به متغیر پان ترکیسم بود. سیاست های همانند سازی آمرانه در دوره رضا خان، نقطه آغاز شکل گیری جنبش های مقاومت قومی در بین آذری ها بود که آگاهی های قومی آن ها را افزایش داد و جزو شدید ترین چالش های قومی این قرن بود که با وجود سرکوب همچون آتش زیر خاکستر به طور کامل خاموش نشد و به دلیل برخی محرومیت ها و احساس تبعیض دوباره شعله ور شد. در دوره رضا خان، تلاش برای ایجاد دولتی مدرن و ترس از تجزیه کشور به اسکان سازی اجبار آمیز عشایر، ممنوعیت انتشار کتاب و روزنامه به زبان محلی و تعطیلی مدارس قومی منجر شد و با انتقال تجارت به جنوب کشور، این مناطق نسبت به مناطق مرکزی کشور با احساس عقب ماندگی و محرومیت های اقتصادی و فرهنگی مواجه شدند. البته در این دوره افکار عمومی در ایران، خواهان تشکیل یک حکومت قدرمند مرکزی بود تا اوضاع نا به سامان کشور را بهبود ببخشد و با جنبش های مرکز گریز مقابله کند. بنابراین بسیاری از روشنفکران، نمایندگان مجلس، رهبران مذهبی و حتی مخالفان رضا شاه پشتیبان این اقدامات بودند.

امروزه در اکثر کشورها، زبان ها و اقوام متعددی وجود دارد و کمتر کشوری را می توان یافت که دارای یک زبان و گروه قومی باشد. پس از جنگ سرد، یکی از مهم ترین منابع درگیری های خشونت بار، ستیز های قومی بوده است. مارکس و بر این باور بود که گسترش سرمایه داری در جهان، باعث نابودی اختلافات محلی، مذهبی و قومی می شود در حالی که اکنون هیچ نشانه ای از کاهش اهمیت این عامل بحران ساز دیده نمی شود. قوم گرایی افراطی، در میان اقوام گوناگون، یکی از عواملی است که وحدت و امنیت کشور را به خطر می اندازد و جامعه را دچار شکاف می کند. منازعه ها و ستیز های قومی، تنها محصول کشور های در حال توسعه نیست بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز مشاهده می شود.

یکی از جنبش های قومی پدیدار شده در ایران، در دو قرن اخیر، جنبش قوم گرایی (گاهی با ماهیت مطالبه محوری و گاهی با ماهیت الحاق و تجزیه) در شمال غرب کشور است که با عنوان پان ترکیسم نیز شناخته می شود. این مسئله در داخل کشور، نتیجه ظهور ناسیونالیسم مدرن است که از طرفی احساسات ناسیونالیستی قوم حاکم و از طرفی احساسات همبستگی قومی اقلیت ها را تقویت کرده است و در آینده نیز ممکن است این گونه تشدید هویت ها، از بارز ترین مظاهر دینامیسم اجتماعی و سیاسی باشد.

پان ترکیسم یا ایدئولوژی ملی گرا، مسئله مدرنی است که در اواخر قرن ۱۹، پس از سیاسی شدن تفاوت های قومی و زبانی در آذربایجان مطرح شد. این جنبش خواهان وحدت فرهنگی، زبانی و سیاسی ترک هایی است که بر اساس تاریخ ترک، زبان ترکی و سنت ترکی مشترک قابل شناسایی اند و به مثابه یک ملت بزرگ باید زیر نظر ترکیه متعهد بشوند. پان ترکیسم دارای اصول مشترکی از جمله ترک گرایی، معاصر گرایی، آزادی اندیشه و سکولاریسم است و علاوه بر ملی گرایی قومی بر ملی گرایی مدنی نیز تاکید دارد.

پان ترکیسم ابتدا در روسیه شکل گرفت. روس ها برای حذف پان اسلاویسم از قفقاز، از این اندیشه حمایت می کردند. پس از ان ها عثمانی ها برای نجات امپراتوری خود این اندیشه را تبلیغ کردند. پس از جنگ جهانی دوم نیز یک حکومت پان ترکیسم در آذربایجان ایران ایجاد کردند. قوم گرایی در آذربایجان خود را در دو برهه

و فرهنگی در عرصه های رسانه ای و اداری، بروز برخورد های سیاسی در عرصه انتخابات و انتخاب مدیران استانی، کاهش همبستگی اجتماعی و وحدت بین اقوام که فرصت را برای گروه های جدایی طلب و بیگانگان هموار میکند، بروز آسیب ها و پیامد های انتظامی و امنیتی به ویژه درگیری های خیابانی، افزایش جرائم، درگیری های قومی دسته جمعی، افزایش قاچاق از سوی اقوامی که احساس میکنند حقشان پامال شده، به مخاطره افتادن روند توسعه کشور و تشدید مناقشات داخلی و منطقه ای مواجه کند. اقدامات موثری از جمله توجه صدا و سیما و مطبوعات به حساسیت های قومی و عدم تولید برنامه های توهین آمیز، توجه به مسائل قومی مطرح در قانون اساسی، تلاش در جهت کاهش عقب ماندگی و محرومیت در این مناطق و تقویت احترام، عزت و تکریم شهروندان اذری میتواند سبب کاهش تنش های قومیتی در کشور بشود. چگونگی حل و فصل، نوع برخورد با شکاف های موجود جامعه، پیشگیری و مدیریت صحیح تنش ها توسط نخبگان حاکم مسئله مهمی است که عدم توجه به آن باعث افزایش گرایش به پان ترکیسم میشود و انسجام اجتماعی را تهدید میکند.

با گذر زمان، پیشینه تبعیض و خشم نسبت به حکومت مرکزی، با محرومیت های فرهنگی از جمله ممنوعیت تدریس زبان ترکی، افت تحصیلی، بی سوادی، نابرابری فرصت ها، جک سازی، محرومیت های سیاسی به دلیل ترس از مرکز گریزی این اقوام و عدم پاسخ گویی و راندن نخبگان قومی و محرومیت های اقتصادی و شرایط بحرانی نرخ بیکاری در این مناطق همراه شد که اگر ادامه یابد عاملی موثر در تداوم و افزایش کشمکش های قومی با حکومت مرکزی می شود. به خصوص که این تنش ها پس از انقلاب، به دلیل گسترش شکاف های قومی و دخالت برخی گروه ها در خارج از مرز های کشور افزایش یافته است.

قومیت گرایی در آذربایجان و گرایش به پان ترکیسم در سال های اخیر، خود را به صورت های مختلف نشان داده است. امروزه دیگر کسی نمی تواند خطر نفوذ جریان خزننده پان ترکیسم را در کشور انکار کند. تشتت، چند پارگی و تبدیل یک ملت به گروه های قومی دارای ارزش ها، زبان ها و ایدئولوژی خاص، آسیب های زیادی به پیکر نظم، وحدت و امنیت جامعه میزند و خود عاملی برای ایجاد شکاف های اجتماعی و تضادهایی می شود که با تاکید بر نقاط افتراق می تواند حیات سیاسی و تمامیت ارضی کشور را با چالش هایی از جمله خشونت طلبی، بی ثباتی سیاسی، بحران یکپارچگی، سهم خواهی بیشتر گروه های قومی، دخالت های بیگانگان و حمایت های نظامی فراملی، تضعیف فرصت های اقتصادی، افزایش بیکاری و ضعف معیشت مردم، افزایش حمایت ها و دخالت های جانب دارانه مجامع و گروه های جهانی، بروز پدیده تروریسم در کشور، تشدید معضل جاسوسی برای بیگانگان و شکل گیری سرویس های جاسوسی نظام مند در کشور، گسترش تبلیغات جانب دارانه در خصوص وضعیت نامناسب اقوام، زاییده شدن احزاب سیاسی تند رو، بی اعتباری هویت ملی، تقلیل اعتماد به نظام حاکمیت و کاهش مشارکت های عمومی، بروز برخورد های اجتماعی



«مسیر یک طرفه است، با آسودگی مهاجرت کنید»

«مبدا: ایران / مقصد: ترکیه»

مهاجرت، واژه‌ای که همه ما بارها و بارها در طول زندگی‌مان آن را شنیده‌ایم یا حتی به آن فکر کرده‌ایم. واژه‌ای که با شنیدن آن در وهله نخست ترک وطن، دوری از خانواده، دستیابی به اهداف و تصورات در ذهن و همچنین بهبود شرایط زندگی برای‌مان تداعی می‌شود. البته تمامی این برداشتها درست است اما چنانچه به پیشینه ژرف این عمل نگاه بیندازیم متوجه این موضوع خواهیم شد که این عمل به سادگی‌ای که تصور می‌کنیم نیست و سختی‌های خاص خودش را با خود همراه دارد.

می‌دانیم که مهاجرت یک تصمیم شخصی و بسیار سخت است چرا که ماندن در وطن خود و زندگی در کنار خانواده خویش بسیار کار راحت‌تری نسبت به مهاجرت است. با این اوصاف سوالی که مطرح می‌شود این است که چه می‌شود یک نفر به فکر مهاجرت و ترک دیار خود می‌افتد؟ دلایل عمده مهاجرت ایرانیان به دیگر کشورها خصوصا به کشور ترکیه که موضوع مورد مطالعه ما است، چیست؟

همانطور که اشاره شد مقصد مهاجرتی مورد بحث در نوشته بنده، کشور ترکیه است. کشوری که همسایه مرزهای غربی کشورمان ایران محسوب می‌شود و به دلیل ویژگی‌هایی از جمله سطح رفاه بالاتر، نزدیکی تاریخی و فرهنگی دو کشور، نزدیکی جغرافیایی و سرمایه‌گذاری رو به رشد مقصد پرتعداد مهاجران ایرانی علی‌الخصوص جوانان ایرانی است. به همین منظور در ابتدا مختصراً دلایل فوق که ذکر شد را توضیح می‌دهم سپس علل اصلی فرهنگی-سیاسی مهاجرت به کشور ترکیه را بررسی خواهیم کرد.



نزدیکی جغرافیایی ترکیه به ایران و همچنین عدم نیاز به ویزا باعث شده است که ایرانیان این کشور را نسبت به کشورهای اروپایی در اولویت مهاجرت خود قرار دهند. به خاطر همین نزدیکی جغرافیایی، هزینه‌های سفر نیز کاهش می‌یابد و همچنین زمانی که دلتنگ خانواده خود در ایران شوند و قصد دیدن آن‌ها را داشته باشند به راحتی می‌توانند عزم سفر کرده و به دیدار خانواده و آشنایان خویش بیایند یا این‌که این عمل به صورت عکس از جانب خانواده این اشخاص انجام شود. علاوه بر این، شباهت‌های تاریخی، فرهنگی و معماری میان دو کشور منجر شده است که ایرانیان با ورود به ترکیه احساس غربت نداشته باشند و به شیوه راحت‌تری دوری از مرز و بوم را تحمل کنند و ارتباط صمیمانه‌تری با مردم این کشور برقرار سازند. همچنین به دلیل فراهم بودن بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری و تجارت در سالیان اخیر ایرانیانی که کشور خود را مناسب سرمایه‌گذاری و پیشرفت نمی‌دیدند به ترکیه مهاجرت کرده و کسب‌وکار خود را در آن کشور به راه انداختند.

اکنون که توضیحات مختصری پیرامون علل و مزیت‌های مهاجرت به ترکیه بیان شد زمان آن فرا رسیده است که از توضیحات حاشیه‌ای گذر کنیم و گریزی به عوامل فرهنگی-سیاسی که سبب مهاجرت فزاینده ایرانیان به ترکیه شده است بزنیم.

از جمله مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین شاخصه‌های فرهنگی کشور ترکیه، داشتن مردمانی خونگرم و احترام به مذاهب و فرهنگ‌های مختلف است. به طوری که مهاجرانی که به این کشور مهاجرت می‌کنند از نظر نوع پوشش و انجام رسوم فرهنگی خود دارای محدودیت‌های خاصی نیستند. آن‌ها می‌توانند به صورت آزادانه پوشش خود را انتخاب کنند و نیز حقوق و مزایایی برای آنان از جانب حکومت و دولت گذاشته شده است تا بتوانند با فراغ بال بیشتری زندگی کنند. البته این آزادی که بنده از آن سخن گفتم به این معنا نیست که آن‌ها می‌توانند از چهارچوب‌ها، قوانین و سلسله مقررات حکومتی پا را فراتر گذارند. این تصور نیز غلط است که مهاجران فکر می‌کنند فرش قرمز برای‌شان پهن شده است و به محض ورود به ترکیه تمامی آزادی‌های شخصی و عمومی که در ذهن دارند و شاید در کشورشان از آن‌ها سلب شده است برای‌شان محقق می‌شود. بنابراین این مورد تصویری ساده‌انگارانه‌ای بیش نیست اما با این وجود نیز نمی‌شود این امر را کتمان کرد که ترکیه به عنوان کشوری که در همسایگی ایران قرار دارد از آزادی‌های بیشتری نسبت به کشورمان ایران برخوردار است. همین امر باعث گردیده است ایرانیانی که خواهان آزادی‌های بیشتر و همچنین کسب رفاه بالاتری هستند به کشور ترکیه مهاجرت کنند و پناهنده آن‌جا شوند.

اما شاید یکی از اصلی‌ترین و در عین حال کمتر توجه شده‌ترین ویژگی فرهنگی این کشور که شباهت زیادی با فرهنگ ایرانی-اسلامی دارد، فرهنگ غذایی و شباهت غذایی کشور ترکیه به ایران است. فرهنگ غذایی مردمان ترکیه بسیار شبیه طبع و ذائقه ایرانیان است چرا که اکثر غذاهای ترکی با رعایت قوانین اسلامی و ذبح حلال گوشت آماده می‌شود و از این بابت شما مشکلی با رفتن به رستوران‌های ترکیه‌ای ندارید. حتی در برخی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بزرگ‌شان برچسب‌هایی تحت عنوان «Halal» بر روی مواد غذایی زده شده است تا با آگاهی کامل و خیال راحت خرید کنید.

از لحاظ سیاسی نیز برجسته‌ترین علت مهاجرت ایرانیان خصوصاً دانشجویان به ترکیه سیستم ناکارآمد و فاسد اداری، عدم امید به آینده و همچنین عدم وجود فضای تحرک اجتماعی کافی برای قشر نخبگانی در درون کشور ایران است. از این جهت نخبگان یا افرادی که قصد دستیابی به موفقیت‌های شخصی بیشتری دارند، ترکیه را سکویی برای پرش و رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند. همچنین این کشور به دلیل آن که دروازه ورود به اروپا نیز هست از اهمیت و توجه بسیاری در نزد مهاجرین برخوردار است. فرار مغزها یا فرار نخبگانی موردی است که در سالیان اخیر کشور با آن روبرو است و چنانچه از جانب مسئولین سیاست‌هایی اتخاذ نشود و امید را در روحیه جوانان تزریق نکنند بدون شک ضربه‌های عمیق‌تری بر پیکره پیشرفت کشور وارد می‌شود و مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد. آن هم اکنون و در برهه‌ای که جوانان به سطوح آمده‌اند و از ساختار سیاسی، معیشت و رفاه عمومی ناراضی هستند.

در واقع وظیفه مسئولین بسیار سنگین‌تر از قبل است و چنانچه اقدام موثری جهت بهبودی اوضاع انجام ندهند ما در آینده شاهد مهاجرت‌های بیشتری در بین اقشار مختلف جامعه خواهیم بود.

وابستگی متقابل ایران و ترکیه



سیاست خارجی و روابط کشورها با یکدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است، مخصوصاً برای کشورهایی که در مرکز توجه و محیط‌های استراتژیک قرار دارند. ایران نیز یکی از موجودیت‌هایی است که نه تنها از لحاظ موقعیت مکانی، بلکه از جانب رفتار و تعامل در عرصه بین‌المللی مورد اهمیت است.

در این حوزه روابط و داد و ستد با کشورهای همسایه و خاورمیانه بسیار حیاتی و اساسی می‌باشد؛ ترکیه، همسایه ایران و دولتی است که تعامل و رفت و آمد با آن از هر لحاظ مورد توجه است.

این تعاملات آن‌قدر اهمیت دارد که بسیاری از کشورها درصدد تخریب و به هم زدن آن هستند. روابط ایران با ترکیه طیف وسیعی را تقریباً در همه حوزه‌ها در بر می‌گیرد.

علاوه بر این که ترکیه کشور همسایه ماست، اشتراکات وسیعی نیز وجود دارد که این تعامل را بسط می‌دهد؛ هر دو کشور از لحاظ تاریخی قدمت زیادی دارند و همین امر باعث شده روابط ریشه‌ای و عمیق‌تری وجود داشته باشد، همچنین اشتراکات تمدنی، فرهنگی، دینی و زبانی نیز به این موضوع دامن می‌زند.

از طرفی دو کشور دارای منافع مشترکی در برقراری صلح و ثبات در منطقه هستند و دیدگاه مشابهی را دنبال می‌کنند؛ همچنین آن‌ها برای پیگیری اهداف و خواسته‌های‌شان نیازمند روابط متقابل با یکدیگرند.



از نظر اقتصادی تعاملات وسیعی بین ایران و ترکیه وجود دارد؛ صادرات و واردات کالاهای تولیدی، مواد خام، صنایع دستی و کالاهای حیاتی، سرمایه‌گذاری‌های دو یا چند جانبه، گردشگری و رفت و آمد توریستی و... از جمله این موارد است. در حیطه فرهنگی و اجتماعی نیز شاهد همکاری‌هایی در زمینه فیلم و سریال، نمایشگاه‌های کتاب و جشنواره‌های هنری، آموزش و ترویج زبان فارسی و ترکی، نشست‌های ادبی، تبادلات دانشگاهی و تفاهم‌نامه‌های همکاری و مواردی از این قبیل هستیم.

مهم‌تر از همه در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک، همگرایی و همکاری‌های مهمی بین ایران و ترکیه رقم خورده است. از طرفی به دلیل عدم تغییر مسند قدرت و پیروزی مجدد رجب طیب اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، شاهد تداوم روابط ایران و ترکیه به روال عادی خواهیم بود؛ البته این امر در صورتی است که اتفاق خاصی در سیاست ترکیه و شکل حکومت داری اردوغان رخ ندهد. جمهوری اسلامی ایران نیز باید به شکل قبل با مشکلات و مسائل روبرو شود.

ترکیه در مقطع کنونی با چالش‌های بسیاری در سیاست خارجی‌اش مواجه است؛ مثل روابط با غرب، مسائل مربوط به کردستان، مشکلات اقتصادی مانند تورم شدید و کاهش ارزش پول ملی، بحران‌های مهاجرت، بازسازی و ترمیم روابط با کشورهای اثرگذار جهان از جمله روابط با عربستان و... در همه این موارد نیز نیازمند همکاری و همیاری دیگر کشورها از جمله ایران می باشد.

دلایلی مانند مقابله با تحریم‌ها و صف‌بندی کشورها علیه ایران، مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت منطقه، همکاری‌های گسترده در جهت رشد اقتصادی، حفظ و تداوم فرهنگ اسلامی و... موجب اهمیت شدید ترکیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است.

ترکیه، به عنوان کشوری که در صف غرب و ناتو جای دارد، از روابط نزدیکی با ایران برخوردار است و این روابط نزدیک علاوه بر جبر جغرافیایی دلایل مختلفی نیز دارد. دو کشور در ابعاد اقتصادی، امنیتی، اجتماعی نیاز به یکدیگر دارند. ترکیه در سال‌های گذشته بخش عمده‌ای از نیاز نفت و گاز خود را از ایران تأمین می کرد و ایران نیز به طور متقابل در تأمین نیازهای مختلف خود به ترکیه احتیاج داشت. ترکیه در دوران تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین مبادی تأمین نیازهای ایران بوده است.

دو کشور به دلیل قرار گرفتن در مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر و انسان از مسیر غرب آسیا به اروپا دارای نگرانی‌های مشترک در این زمینه هستند.

علاوه بر این دو کشور در زمینه معضل تروریسم در فراسوی مرزهای خود و تردد آنها در خاک خود نگرانی‌هایی دارند که این نگرانی‌ها نیز مشترک می باشد و این مساله شاید مهم‌ترین بعد روابط امنیتی بین دو کشور است.



روابط دو کشور در سطوح مختلف به خصوص در دو دهه اخیر با قوت ادامه داشته و دیدارهای رهبران عالی دو کشور نیز موید این قرابت و نزدیکی و تلاش برای توسعه و تعمیق هر چه بیشتر روابط طرفین است.

از آنجایی که دو کشور با مشکلات و چالش‌هایی روبرو هستند، شرایط ایجاد می‌کند که به گسترش همکاری ادامه داده و موجب رشد یکدیگر شوند و در مقابل تکانه‌های کشتی متزلزل سیاست و روابط بین‌المللی ایستادگی کنند.

دیپلماسی دولت سیزدهم

در دولت های بعد از انقلاب سیاست خارجی و رویکرد دیپلماسی دولت ها به دو دسته تقسیم شد. دسته اول دولت هایی که معتقد بودند که باید به سمت دولت هایی برویم که در نظم جدید جهان دارای قدرت می باشند و به عبارتی دولت های غربی شناخته می شوند و با تعامل با آنها دروازه جهان را به روی خود باز کنیم تا بتوانیم نیازهای سیاسی و اقتصادی کشور را مرتفع کنیم. نتیجه این تفکر در جدیدترین رویارویی خود همان برنامه جامع مشترک (برجام) می باشد.

دسته دیگر نیز در مقابل تفکر دسته اول قرار گرفتند و با بدبینی نسبت به دولت های صاحب قدرت معتقد بودند که عامل بسیاری از مشکلات فعلی کشورهای دنیا به واسطه همین کشورهای صاحب قدرت رقم خورده است و خوی استعمارگری این کشورها در طول تاریخ معاصر نشان داده است که با تعامل به کشورها ورود کرده و بعد آنها را به استعمارنویین درمی آورند.

اما اکنون دولت رئیسی کدام نگاه را دارد؟

دولت فعلی که با حمایت اصولگرا به روی کار آمد تصور می شد که همان نگاه دسته دوم را جلو ببرد. اما با انتخاب حسین امیرعبداللهی به عنوان وزیر خارجه مشخص شد که دولت قصد دیگری دارد. امیرعبداللهی شخصی است که در دولت قبل پس از برکناری از معاونت امور عربی و آفریقایی وزارت خارجه به عنوان دستیار ویژه لاریجانی رئیس وقت مجلس منسوب شد. همان طور که می دانید لاریجانی جزء طیف معتدل می باشد که این حاکی از آن دارد که وزیرخارجه دولت رئیسی اصولگرایی است که به سمت جریان معتدل گرایش دارد.



با توجه به نکات بالا از ابتدا دولت دیده شد که نگاهی در دولت حاکم است هرچند تمایل به تفکر دوم دارند ولی نگاهی هم به تفکر اول وجود دارد. به عبارتی در این دولت تلاش دارد که با دولت های غیر غربی ارتباط برقرار کند ولی در مورد برجام نیز موضع تنیدی برای رد آن تاکنون نداشته است و حتی برخی از مسئولین مستقیم برجام در دولت قبل نیز در ترکیب دیپلماسی فعلی حضور دارند.

یکی از تعاملات دیپلماسی که این دولت از ابتدا قصد برجسته سازی آن را داشته است مسئله عضویت در سازمان همکاری شانگهای می باشد. سازمان همکاری شانگهای یک سازمان میان دولتی با گستره دولت های اروپایی و آسیایی و با هدف همکاری های امنیتی، اقتصادی و سیاسی تشکیل شده است که متشکل از کشورهای چین، روسیه، هند، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و پاکستان میباشد که در خردادماه ۱۴۰۲ نیز ایران از مجموعه کشورهای ناظر به عضو رسمی در این سازمان تبدیل شد.

مسئله بعدی در دیپلماسی دولت نیز ارتباط با کشورهای همسایه می باشد. در دولت قبل علی رغم شعار آشنایی با زبان دنیا نتوانست ارتباط موثری با کشورهای همسایه برقرار کند که البته عامل این اتفاق و تقصیر را به گردن نهادهای بالادستی و امنیتی و نظامی می انداخت، اما می توان گفت رقبت دولت مردان و سرداران دیپلماسی دولت قبل به ارتباط با دولت های همسایه نبوده است و به همین دلیل هم پس از قطع ارتباط به هر دلیلی، تلاشی برای احیای آن نداشته اند. دولت فعلی توانست تمامی ارتباط های شکننده با کشورهای همسایه را تا حدود زیادی ترمیم کند.

تمامی تلاش های دیپلماسی دولت فعلی عموماً در ارتباط با دوزدن تحریم ها می باشد. سفر اخیر رئیس جمهور به کشور های آفریقایی نیز در همین پازل قرار می گیرد.

مسئله کمتر پرداخته شده در تحلیل های سیاسیون در مورد رفتار های دیپلماسی دولت فعلی مسئله آمریکای جنوبی می باشد. دولت فعلی با هماهنگی بیشتر با سیاست های حاکمیت در حیط خلوت ایالات متحده آمریکا یعنی همان آمریکای جنوبی ورود کرده است و احتمالاً قصد ایجاد جبهه ای علیه لیبرالیسم و ایالات متحده آمریکا دارد و همچنین استفاده از یک بازار اقتصادی بدون کنترل های سازمان های بین المللی را دارد.

در مورد مسئله روسیه و چین نیز دیپلماسی دولت فعلی براساس منافع مشترک و دشمن مشترک می باشد. و دولت فعلی نشان داده است که اگر دولت های شرقی از این اهداف عدول کنند رفتار ایران نیز تغییر خواهد کرد. در مسئله اختلافات جزایر سه گانه ایران و امارات که در بیانیه مشترک اخیر روسیه و کشورهای عربی نیز به آن اشاره شده بود و روسیه بر حق امارات تاکید کرده بود، دولت بر خود قاطعی نشان داد و تا جایی که در اقدامی تلافی جویانه در مورد مسئله ای مشابه در مورد جزایر کوریل که محل اختلاف روسیه و ژاپن می باشد در یک نشست نماینده ایران با سفیر ژاپندر ایران از ژاپن حمایت کرد.

یکی از مهم ترین رقبای دستگاه دیپلماسی دولت فعلی را می توان عربستان سعودی نامبرد که با تغییر رویکرد خود از وابستگی تام به دولت های غربی سعی بر ارتباط با کشورهای مشترک المنافع ایران را دارد. با توجه به روح منفعت جویانه تمامی کشورها در ارتباط با کشورهای دیگر اینکه در آینده این کشورها با ایران مشترک المنافع بمانند یا خیر مشخص نیست چرا که عربستان دارای منابع مورد نیاز این کشورها بدون داشتن محدودیت های ایران همچون تحریم ها می باشد.

با همه تفاسیر بالا می توان گفت دولت فعلی دیپلماسی فعالی دارد و تاکنون نیز معاهدات و قراردادهایی با کشورهای منطقه و جهان امضا کرده است. اما مسئله اصلی نیز هنوز پا برجاست و آن هم اینکه همه این رفت و آمدها و دیپلماسی ها باید بتواند اثرگذار باشد و اثر آن در مسئله اقتصادی برای مردم قابل لمس باشد و در مورد مسئله سیاسی نیز بتواند انزوای ایران در سالهای بعد از انقلاب را جبران کند. اینکه می تواند با همین روند به نتایج مطلوب دست یافت ابهامی است که پاسخ آن را تاریخ در آینده خواهد داد.

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه درخواست مجوز نشریه

دستور العمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

در سایت سند

اخبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

اسناد و آیین نامه ها

اطلاعات کامل در خصوص
کمیته ناظر بر نشریات

sanad.um.ac.ir
